

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

تأثیر اندیشه و گفتمان دینی در پیشرفت ایران در دهه‌های گذشته و اخیر
مریم جزینی^۱

چکیده

بازسازی اندیشه دینی یکی از مؤلفه‌های اساسی گفتمان دینی- سیاسی ایران معاصر به شمار می‌آید که در جهت کارآمدتر کردن دین و تجدید حیات دینی صورت پذیرفته و آثار عمیقی بر تفکر و شاکله روحانیت معاصر شیعه بر جای گذاشته است. این بازسازی متضمن اهدافی چون تعمیم اندیشه دینی برای ایفای نقش برتر سیاسی و اجتماعی، همانند کردن آن با مقتضیات زمان و بهره‌گیری از توانمندی- های دین برای مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی بوده است. گسترش دامنه این بازنمایی در میان اندیشمندان شیعی ایران نقطه عطفی در تحولات فکری و عملی تاریخ معاصر ایران است. ملاحظه می‌شود که طرح مجدد آن به ویژه در سال- های پس از ۱۳۲۰ نمودی کاملاً دفاعی داشته است و سعی می‌کند که از موجودیت دین به وسیله تجهیز درونی دفاع کرده و در نهایت نیز به موضعی تهاجمی دست یابد. نوزایی اندیشه اسلامی به مثابه یکی از مؤلفه‌های بنیادین گفتمان سیاسی- دینی در ایران معاصر پدیده پیچیده‌ای است که به نوبه خود دارای ابعاد روحانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. از این رو، تجزیه و تحلیل کوشش‌های احیاطلبی دینی و درک گفتمان اسلام‌گرایانه به مثابه پاسخی به چالش‌های معاصر در ایران متضمن فرآیند دشوار شناسایی و ارزیابی است. کوشش‌هایی که در برابر منزوی شدن و در خود فرورفتنی که غرب به مسیحیت تحمیل کرد، به نحو موفقیت‌آمیزی از انزوای اسلام در جهان زیست خود ممانعت به عمل آورد. علاوه بر این، دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب همواره دغدغه‌هایی را برای رهبران دینی، دین- داران و خانواده‌های متدین به وجود آورده و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می- شود. این پدیده در سده‌های اخیر، به ویژه در قرن بیستم، بخش عظیمی از جهان را

۱. کارشناسی ارشد زبان ادبیات عرب

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فرا گرفت و حتی موجب به وجود آمدن مکاتب فلسفی الحادی و ایدئولوژی‌های دین‌ستیز یا دین‌گریز گردید. اما چرا انسان که ذاتاً مشتاق دین است و فطرت او با درون مایه‌های دین پیوند تکوینی دارد، به دین‌گریزی روی می‌آورد و چرا دین-گریزی در نسل جوان نمود بیشتری دارد؟ در پاسخ باید گفت: در دین الهی هیچ عنصر گریزاننده وجود ندارد. اگر انسان‌ها به دریافت معارف دینی و درک صحیح از دین حق نایل آیند، هرگز از دین نمی‌گریزند. افزون بر این، عقل و عشق - هر دو - در متن دین جای دارند. دین هم ذهن و خرد انسان را تغذیه می‌کند و هم به دل آدمی حیات، حرکت و نشاط می‌بخشد. بنابراین، علت دین‌گریزی را باید در خارج از قلمرو دین حق و آموزه‌های دینی جستجو کرد. بدون تردید، عوامل متعددی در بروز دین‌گریزی نقش دارند که در این نوشتار به بخشی از آنها اشاره می‌گردد. این مقاله درصدد است که ضمن توضیح این مقوله و تأثیر آن بر گفتمان سیاسی شیعه، بازسازی اندیشه دینی را از دیدگاه استاد مطهری (ره) تبیین کند و به دنبال جلوگیری از دین‌گریزی جوانان پیش رود. امید است خوانندگان را منتفع نماید.

کلیدواژه‌ها: اندیشه دینی، گفتمان سیاسی شیعه، جوان، دین‌گریزی، غرب‌زدگی، خودباوری و خودباختگی فرهنگی

مقدمه

حمد و سپاس خدای را عزّ وجلّ که محمد(ص) را خلق کرد و از برکت وجود او جهان را آفرید و آدمی را به احسن صور خلق کرد تا او را عبادت کند و حال آن که ذات مقدس ازل است صمد حمید است و مجید و عالم است قادر و درود و سلام بر خاتم انبیاء محمد مصطفی و خاندان پاکش. این مقاله به دنبال به دنبال شناسایی و سپس از بین بردن عوامل دین‌گریزی در جوانان از طریق بازسازی و نوسازی اندیشه دینی است.

دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب همواره دغدغه‌هایی را برای رهبران دینی، دین‌داران و خانواده‌های متدین به وجود آورده و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می‌شود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این پدیده در سده های اخیر، به ویژه در قرن بیستم، بخش عظیمی از جهان را فرا گرفت و حتی موجب به وجود آمدن مکاتب فلسفی الحادی و ایدئولوژی های دین ستیز یا دین گریز گردید. اما چرا انسان که ذاتاً مشتاق دین است و فطرت او با درون مایه های دین پیوند تکوینی دارد، به دین گریزی روی می آورد و چرا دین گریزی در نسل جوان، نمود بیشتری دارد؟

در پاسخ، باید گفت: در دین الهی هیچ عنصر گریزاننده وجود ندارد؛ اگر انسان ها به دریافت معارف دینی و درک صحیح از دین حق نایل آیند، هرگز از دین نمی گریزند. افزون بر این، عقل و عشق - هر دو - در متن دین جای دارند. دین هم ذهن و خرد انسان را تغذیه می کند و هم به دل آدمی حیات، حرکت و نشاط می بخشد. بنابراین، علت دین گریزی را باید در خارج از قلمرو دین حق و آموزه های دینی جستجو کرد. بدون تردید، عوامل متعددی در بروز دین گریزی نقش دارند که در این نوشتار به بخشی از آنها اشاره می گردد.

نوزایی اندیشه اسلامی به مثابه یکی از مؤلفه های بنیادین گفتمان سیاسی-دینی در ایران معاصر پدیده پیچیده ای است که به نوبه خود دارای ابعاد روحانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ از این رو، تجزیه و تحلیل کوششهای احیاءطلبی دینی و درک گفتمان اسلام گرایانه به مثابه پاسخی به چالشهای معاصر در ایران متضمن فرآیند دشوار شناسایی و ارزیابی است. کوششهایی که در برابر منزوی شدن و در خود فرورفتنی که غرب به مسیحیت تحمیل کرد، به نحو موفقیت آمیزی از انزوای اسلام در جهان زیست خود ممانعت به عمل آورد.

منظور از بازسازی فکر دینی، همه تلاشهایی است که برای کارآمدتر کردن دین و تجدید حیات آن صورت پذیرفته و آثار عمیقی بر تفکر و شاکله روحانیت معاصر شیعه بر جای گذاشته است. این بازسازی متضمن اهدافی چون تعمیم دین برای ایفای نقش برتر سیاسی و اجتماعی، همانند کردن آن با مقتضیات زمان و بهره گیری از دین برای مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی بوده است؛ از این رو، ملاحظه می شود که طرح مجدد آن به ویژه در سالهای پس از ۱۳۲۰ نمودی کاملاً

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دفاعی داشته است و سعی می‌کند که از موجودیت دین به وسیله تجهیز درونی دفاع کرده و در نهایت نیز به موضعی تهاجمی دست یابد.

فرآیند بازسازی دینی توأم با اصلاح طلبی در میان اندیشمندان شیعی ایران آشکارا کم دامنه دارتر از اندیشه گران سنتی مذهب جهان اسلام بوده است ولی در عین حال، باید گفت که در سایر جوامع اسلامی این اندیشه‌ها پویایی اندیشه شیعی را نیافته که بخش عمده آن مربوط به ماهیت خود شیعه است. علاوه بر آن اندیشه‌های اصلاح طلبی دینی در سایر جوامع اسلامی در بیشتر موارد به دلیل پیوند با دیدگاه‌های سلفی‌گری، خصلت ارتجاعی به خود گرفته است. در مقابل در میان جوامع شیعی در کنار بازسازی فکر دینی و مبارزه با دشمنان اسلام و بی‌دینی، همت مصلحان شیعه صرف از میان برداشتن انحراف‌هایی شده که به شکل قشری‌گری و خرافی و سطحی‌نگری نمود یافته است.

هر فردی با مراجعه به زندگی جوانان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آنها، این مسئله را به صورت ملموس درخواهد یافت که در سال‌های اخیر و بخصوص پس از پایان هشت سال دفاع مقدس، گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی در بین جوانان ما رشد صعودی یافته است و گروه‌هایی از جوانان به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که وقتی در بین برخی از آنها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می‌آید به صورت علنی بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به دین اظهار می‌کنند. البته باید اذعان کرد که این انکار و زدگی از دین به خاطر خود دین نیست، بلکه علل این مسئله بیشتر به رفتارهای دین‌داران و مدعیان دین برمی‌گردد. بخش عمده این رفتارهای انکارگونه جوانان و گرایش‌های آنان به فرهنگ بیگانه به خاطر تبلیغات کاذب و دروغین درباره دین و القای شبهه در بین جوانان می‌باشد و چون جوانان برای این سؤالات و شبهات خود پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌یابند، از دین‌گریزان شده، به فرهنگ بیگانه و غربی گرایش پیدا می‌کنند. البته با وجود همه این شبهات و تبلیغات همواره و در همه حال بارقه‌ای از دین و غیرت و حمیت دینی در روح و روان جوانان موج می‌زند؛ بارقه‌امیدی که سرانجام

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بسیاری از جوانان را از غوطهور شدن در فرهنگ مبتذل غربی و بیگانه باز می‌دارد و آنان را به آغوش پرمحبت دین باز می‌گرداند.

آسیب شناسی نسل جوان

«درک جوان» از جمله مسائلی است که لازم است در مورد جوانان رعایت شود. به دلیل آنکه جوان خود را در این سنین غریب و تنها می‌بیند، اغلب سعی می‌کند علیه سنت‌ها و آداب و رسوم قیام نماید، از والدین خود و جامعه کناره‌گیری کند و فقط با همسالان خود تماس بگیرد. در چنین حالتی، جوان به یک یا چند راهنما نیاز دارد تا او را درک کرده و محرم اسرار و همراز او گردند حال اگر کسی نباشد که به درد دل‌های جوان گوش فرا دهد و یا احیاناً پدر و مادر در مقابل تفکرات او واکنش شدیدی از خود نشان دهند، روشن است که جوان دیگر والدین را محرم اسرار خود نمی‌داند و مسائل خصوصی را با آنان در میان نمی‌گذارد. پس باید با جوان همراز بود و به او گفت که ما تو را درک می‌کنیم و می‌توانی مشکلات و ناراحتی‌های خود را با ما در میان بگذاری. وقتی جوان احساس کرد که حرف‌هایش خریدار دارد، آنها را با پدر و مادر در میان خواهد گذاشت. در غیر این صورت، او احساس تنهایی می‌کند و تعادل روانی خود را از دست می‌دهد. حال اگر جوانی به هر دلیلی احساس کند درک نمی‌شود و خود را در سطح خانه یا جامعه بیگانه ببیند، علیه تفکر، مذهب و یا نحوه پوشیدن لباس بزرگ سالان طغیان می‌کند و این مسئله را به شکل‌های گوناگون از جمله پوشیدن لباس‌هایی با نماد غربی بروز می‌دهد.

دوران نوجوانی و جوانی مهم‌ترین دوران زندگانی انسان محسوب می‌شود. در این دوران تحولات عظیمی در درون فرد روی می‌دهد. او در مرز بلوغ و نوجوانی از طفیلی بودن می‌رنجد و می‌خواهد به خود متکی گردد؛ نیروی عاطفی در او افزایش می‌یابد و در عالم دوستی، افراد را عاشقانه دوست دارد و در عالم قهر و نزاع، تا مرز انتقام پیش می‌رود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در این سنین، افراط و تندروری، غرور، خودشناسی، تردید، اضطراب، خیالات، تهور، استدلال قوی و هوش در بالاترین درجه خود قرار دارد و استعدادها به اوج می‌رسد. از این رو، فرصت یک فرصت طلایی است؛ گو اینکه ترقی انسان در این سن شکل می‌گیرد و انحطاط و سقوط نیز در همین سن به وقوع خواهد پیوست.

نوجوان و جوانی که در یک خانواده نابسامان و محیطی آمیخته با اختلافات خانوادگی پرورش یافته، به سختی در مدرسه قابل تربیت خواهد بود. اگر والدین بیش از آنچه که به نیازهای مادی فرزندانشان اهمیت می‌دهند به جنبه‌های روحی آنان می‌پرداختند، مشکلات کمتری به بار می‌آمد و بزهکاری‌ها کاهش می‌یافت. بیشتر کودکان بزهکار، از حاکمیت نداشتن عاطفه در روابط خانوادگی و کمبود محبت گلایه داشته و رنج می‌برند.¹

شرایط حاکم بر این دوران بیانگر این است که نوجوان و جوان احتیاج به آرامش روانی بیشتر و ارتباط صمیمانه و دوستانه دارد. به عبارت دیگر، او همدم و مونس می‌طلبد که وجودش را درک کند و همچون او، طعم ناخوشایند انتقاد، تهدید، تحقیر و روابط آمرانه را چشیده باشد. کسی را می‌خواهد که به دور از روابط آمرانه، حاکمانه و ناصحانه، با او دوستانه و صمیمانه سخن بگوید و دیگران وجودش را به گونه‌ای که هست درک کنند.

در اهمیت این دوران همین بس که طبق سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یکی از مهم‌ترین چیزها که در قیامت قبل از برداشتن قدم از قدم مورد سؤال قرار می‌گیرد، دوران جوانی است. و به همین دلیل، آن حضرت درباره آنان چنین سفارش فرموده است:

برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده؛ همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.²

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ویژگی های دوره جوانی

برای اینکه بتوانیم آسیب شناسی بهتری از جوان داشته باشیم در اینجا به برخی از ویژگی های دوره جوانی اشاره می شود

۱. علاقه به دوستی با همسالان

بشر در تمام دوران زندگی خویش همواره نیازمند دوستی با دیگران است. جوانان نیز در این سنین به گروه همسالان، علاقه بیشتری پیدا می کنند، با آنان روابط دوستانه و صمیمانه برقرار می سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذرانند. گاه این علاقه و دوستی تا مرحله عشق ورزیدن پیش می رود. آنها به همسالان خود پناه می برند؛ زیرا مشکلاتی مشابه دارند. جوانان با یکدیگر انس می گیرند و حتی رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می گذارد. بنابراین، انتخاب دوست در این دوران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه اینکه سعادت و خوش بختی نیز در معاشرت و دوستی با مردم بزرگوار است^۳. پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

«أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ»؛ خوشبخت ترین مردم، کسی است که با مردمان بزرگوار در آمیزد^۴.

نباید احساسات فرد در این سنین، نسبت به دوستانش لکه دار گردد. گو اینکه جوان با استفاده مثبت از دوستان خود می تواند بر بسیاری از مشکلاتش فائق آید.

۲. علاقه به محیط مساعد برای رشد ذهنی

جوان به دنبال محیطی می گردد تا در آن در محیط رشد ذهنی یابد و خلاقیت خویش را نشان دهد و رفتارش مورد تأیید قرار گیرد.

۳. افتخار به شخصیت

تشخص طلبی یکی از تمایلات غریزی بشر است و در نسل جوان بسیار قوی و نیرومند. جوان به نوع لباس، نوع آرایش مو و نوع واکنش هایش در برخوردها افتخار می کند و در جمع همسالان خود به ابراز شخصیت و خودنمایی می پردازد. او می خواهد بفهماند که من هم بزرگ شده ام. در این زمینه، والدین با برخورد مناسب و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هدایت او در انتخاب لباس های مناسب و نوع برخورد هایش ضمن احترام به شخصیت وی، می توانند او را در مسیر صحیح هدایت کنند.

۴. علاقه به آزادی بی حد و حصر

یکی از تمایلات و خصیصه هایی که در این دوران شدت می یابد، علاقه به آزادی بی حد و حصر و بی قید و شرط است. اومی خواهد مقررات اجتماعی را نادیده بگیرد و در راه ارضای تمایلات خویش از آزادی های تند و بی حساب استفاده کند.

۵. شدت یافتن غریزه جنسی

غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند و حساس در وجود انسان است. این غریزه در حیات روانی و جسمانی انسان تأثیرات فراوانی دارد. بسیاری از اعمال و رفتارها حتی بیماری های جسمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می گیرد. اگر این غریزه به نحوی درست و با روش عاقلانه تر پرورش یابد، زندگی را قرین آسایش می گرداند و چنانچه در طریق افراط و تفریط واقع شود ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال بیاورد.

مقام معظم رهبری، به زیبایی تمام دوران جوانی را به تصویر می کشند:

"جوانی، یک پدیده درخشان و یک فصل بی بدیل و بی نظیر از زندگی هر انسانی است. جوان در دوره جوانی، بخصوص در آغاز جوانی، تمایلات و انگیزه هایی دارد اولاً، چون در حال تکوین هویت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته بشود؛ که غالباً این اتفاق نمی افتد و پدر و مادرها جوان را در هویت و شخصیت جدید او گویا به رسمیت نمی شناسند.

ثانیاً، جوان احساسات و انگیزه هایی دارد؛ رشد جسمانی و روحی دارد؛ به دنیای تازه ای قدم گذاشته است که غالباً دور و بری ها، خانواده، کسان، افراد در جامعه، از این دنیای جدید بی خبر و بی اطلاع می مانند، یا به آن بی اعتنائی می کنند؛ لذا جوان احساس تنهایی و غربت می کند.

ثالثاً، جوان در دوره جوانی، چه اوایل بلوغ و چه بعدها، با مجهولات زیادی روبه رو می شود؛ مسائل جدیدی برای او مطرح می شود که سؤال انگیز است؛ در ذهن او

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شبهه ها و استفهام هایی به وجود می آید که مایل است به این شبهه ها و سؤال ها و استفهام ها پاسخ داده بشود.

رابعاً، جوان احساس می کند در وجود او انرژی های متراکمی وجود دارد؛ توانایی هایی را در خود احساس می کند؛ هم از لحاظ جسمانی، هم از لحاظ فکری و ذهنی.

خامساً، جوان برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوره جوانی مواجه می شود که این دنیا را تجربه نکرده و از این دنیا چیزهای زیادی نمی داند؛ بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می آید که تکلیف خودش را در مقابل آنها نمی داند؛ احساس می کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد⁵.

عوامل دین گریزی نسل جوان

الف. غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین

جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می دهد. جوانان تلاش می کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند، اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند؛ در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می شود.

جوان به دلیل توانمندی های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی را بر نمی تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می زند و می خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد. اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می شود برایش قانع کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می خواهد همه آموزه های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می کند اگر آموزه های دینی در قالب های فکری او بگنجد صحیح است، وگرنه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می شود هویت دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند!

قرآن نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان ها می داند. حضرت نوح(علیه السلام) به قوم خود می فرماید: (وَلَكِنَّیَ أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ) (هود: ۲۹)؛ شما را مردمانی ناآگاه می بینم. امیر مؤمنان(علیه السلام) نیز درباره علت کفر می فرماید:

«لو ان العباد حین جهلوا وقفوا، لم یکفروا و لم یضلوا»^۶؛ اگر مردم در موارد ناآگاهی درنگ و تأمل می کردند، هرگز به کفر و گم راهی نمی گراییدند. بنابراین، یکی از علل روان شناختی دین گریزی در همه انسان ها، به ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین است.

علت دیگر این بی رغبتی و گریز از دین برداشت های غلط و نادرست از معارف دینی می باشد. بسیاری از اوقات، دین مساوی با معنویت لحاظ شده و در حد یک نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می شود. سپس چنین نتیجه گیری می گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد. این دیدگاه ساده انگارانه و کاهش گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادگی و جهت بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد به تدریج آن را کنار می گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می شود.^۷

ب. تهاجم سازمان یافته فرهنگی دشمن

دشمن برای دور ساختن جوانان از دین، از انواع راه ها و شیوه ها استفاده می کند و به هر ترفندی دست می زند. در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تضعیف باورها و اعتقادات دینی: جوانان آینده سازان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بپرورانند، هادیان جامعه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خواهند بود. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شد، آن گاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند، از این رو، «باورهای اسلامی» را مورد حمله قرار می‌دهند و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کم‌رنگ کنند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی - که با فطرت بی‌آلایش جوانان سازگار است - جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری از این توطئه شوم چنین نقاب برمی‌گیرند:

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای بندی های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن های گذشته در "اندلس" کردند؛ جوان ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد.⁸

۲. ارائه معیارهای فرهنگ غرب: از دیگر شیوه های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است: رفاه مادی، بهره جویی و لذت بردن بی حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت. تمام تلاش های آنان پیرامون محور مادی بودن انسان و به عبارتی، بسیج همه امکانات در مسیر لذت بیشتر، سیر می‌کند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را چنانچه از سرمایه های مادی بی بهره باشد، انسانی مرتجع و غیرمتمدن می‌دانند؛ ولی انسان بی بندوبار، رفاه طلب، سودجو، ثروت اندوز، چپاولگر، بی دین و لامذهب را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

۳. اشاعه فساد، ابتذال و بی بندباری: پرورش روح انسان بدون محدودکردن شهوت امکان پذیر نیست و انسان وقتی شهواتش عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می‌شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

می‌گردد. از این رو، اسلام، بخصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه‌های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیختگی شهوات است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و میگساری غرق کردند.

همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در سال ۱۱۸۰م، در خاطرات خود راه‌های نابودسازی عوامل نیرومند مسلمانان را چنین برمی‌شمرد:

ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوترانی، ترغیب به زیرپا نهادن دستورات اسلام،
و ...⁹

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند.¹⁰

ایشان در فرمایشات دیگری، به ناتوی فرهنگی دشمن نیز اشاره کردند؛ یعنی همان گونه که دشمن در جهت نظامی و اهداف نظامی یک نیرویی به نام ناتو (ناتوی نظامی) در اختیار دارد، اهداف فرهنگی خود را نیز با تشکیل یک ناتوی فرهنگی به پیش می‌برد. ایشان در مقابل این تهاجم و ناتوی فرهنگی دشمن راه کار مهندسی فرهنگی را مطرح نمودند.

۴. ارائه الگوهای غربی: اصولاً کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت‌های زیر سلطه شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر درآیند، آن‌هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی منزل آسمانی پذیرا شده و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بدانند. کوتاه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سخن اینکه به برتری بی چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید¹¹.

بر همین اساس است که استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع، در جهت وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملل استعمارشده فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند.

۵. تخریب و ترور شخصیت های دینی و مذهبی: قهرمانان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می شوند. آنان چون قتل رفیع در بین جامعه درخشیده و نسل های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می خوانند. دشمنان با گسترده شدن دام های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر می پردازند و در نهایت، برای تحقق اهداف شوم خویش دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما نمونه های فراوانی از این نوع ترندها در دل خود جای داده است¹².

۶. استفاده ابزاری از گروه های مذهبی: یکی از روش های دیرین دشمن برای بسط سلطه خویش، استفاده از اعتقادات انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اصیل است. آنان در تلاشند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم ستیزی، عدالت گستری و تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزواطلبی، ظلم پذیری، واپس گرایی و رهبانیت تبدیل نمایند و به تعبیر امام راحل (قدس سره)، اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل سازند¹³.

تأکید بر اختلافات مذهبی، تکیه افراطی بر تفاوت های شیعه و سنی، ترویج خرافه گرایی، ترویج مذهب دروغین، تحریف مفاهیم بلند همچون انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبّد همه در جهت این هدف شوم سازمان دهی و اجرا می شوند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ج. ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین

مسئله دیگری که به عنوان عامل دین‌گریزی مطرح است اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان‌ها توجه می‌کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل دین‌گریزی آنها می‌شود.

جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دعوت به دین‌داری می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن بدان عمل نمی‌کنند؟

آنها می‌گویند: چرا این مدعیان دین فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند، حال آنکه خودشان فرسنگ‌ها با دین و احکام دینی فاصله دارند؟

جوان چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیست و به آن حد از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آنها بگذارد نه دین و مذهبشان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می‌گذارد و از این رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یکباره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. از همین روست که می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است خطرناک‌ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنها می‌دانند که هر شخص ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را بر خلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند. ولی جوانی که تازه می‌خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصور می‌کند که تمام دین همین است.

در این باره می‌توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان اصالت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دین منهای افراد نفهیم گردد تا با فرو ریختن و یا ریزش یک الگو، جوان این را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد.

جوانان نه تنها رفتار خود مرتبی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگاه نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می‌کنند. بدین روی، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهتمامی ویژه بورزد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند. قرآن نیز تأکید ویژه‌ای بر توجه به هدایت نزدیکان دارد. (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ) (صافات: ۸۵)؛ آن زمان که ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: آخر این چیست که می‌پرستید؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز کرد و سپس به دیگران توسعه داد^{۱۴}.

د. گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها

انسان به طور طبیعی به دنیاطلبی و راحت طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا. این یک امر غریزی است. خوردن و خوابیدن برای انسان، راحت‌تر از این است که کارهای سخت انجام دهد. میل طبیعی به مادی‌گری و دنیاطلبی در انسان وجود دارد و هر جامعه‌ای که در این جهت زمینه بیشتری داشته باشد، مردمش به آن سمت بیشتر کشیده خواهند شد. در جامعه خودمان هم به همین صورت است؛ اگر چیزهایی که جوانان دوست دارند برایشان فراهم شود، زودتر به آن نزدیک می‌شوند. بنابراین، دنیاطلبی ریشه در طبیعت انسان دارد و این طور نیست که غرب کاری عجیب و غریب کرده باشد یا معجزه‌ای رخ داده باشد که موجب شده همه به آن جذب شوند؛ این طبیعی است که اگر کسانی آن محیط را بپسندند و بخواهند خواسته‌های خودشان را ارضا کنند، وقتی ببینند جای دیگر ارضا نمی‌شود، به سراغ آنجا بروند.

این نکته نشان می‌دهد که ما در جامعه خود باید در کنار توجه به رشد معنوی و تعالی افراد، سعی کنیم جاذبه‌های مادی را فراهم کنیم، تفریح‌های سالم به اندازه کافی ایجاد نماییم و زمینه‌های ارضای نیازهای مادی را فراهم آوریم^{۱۵}.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هـ. محدودیت های اعمال شده از سوی خانواده

استقلال طلبی، حریت و عدالت جویی، از ویژگی های بارز دوره جوانی است. جوانان برای اثبات این ویژگی ها، با بزرگ سالان مقابله می کنند. این مقابله نه از سر لجبازی و پشت پا زدن به ارزش هاست، بلکه بیشتر جنبه اثباتی برای خود جوان دارد. یکی از اشتباهاتی که در این زمینه از بزرگ سالان سر می زند سرزنش و ملامت جوان است. این سرزنش ها هم از نظر عاطفی برای جوان مضر است و هم به روحیه استقلال طلبی او آسیب وارد می کند و نتیجه آن برافروختن آتش لجاجت و طغیان است.

امیر مؤمنان(علیه السلام) در این باره می فرماید:

«الافراطُ فی الملامه یشبُّ نیران اللجاج»¹⁶؛ «زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می سازد.»

بنابراین، مقابله با روحیه استقلال طلبی جوان و سرزنش کردن افراطی او، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. یکی از پیامدهای ناگوار آن، طغیان علیه ارزش های حاکم بر جامعه، گریز از ارزش ها و منبع آنهاست و چون معمولاً در جوامع دینی منشأ و منبع ارزش ها، «دین» است، این مسئله به دین گریزی می انجامد¹⁷.

و. وجود شبهات دینی در بین جوانان و عدم پاسخ صحیح به آنها

یکی از موارد ضروری، شناخت دردها و دغدغه های فکری نسل جوان است. باید دانست که این دردها همیشه نشانه بیماری نیست، بلکه نشانه بیداری نیز هست. پس از شناسایی دردها باید به درمان آنها پرداخت و در هنگام درمان باید برخورد مناسب و منطقی داشت؛ زیرا عدم برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به انحرافات گوناگون از جمله انحرافات فکری می کشاند و ممکن است آنها را به دامن مکاتب و اندیشه های الحادی سوق دهد.

استاد مطهری یکی از علل گرایش نسل جوان به مکاتب الحادی، چه در مسیحیت و چه در جوامع اسلامی را پاسخ غیر منطقی و غیر معقول به نیازها و سؤالات این نسل و نیز برخوردهای منفی با این نسل می داند. از این رو، معتقد است که باید از

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

طرد این نسل دوری گزید و تلاش کرد تا برای سؤالات دینی و نیازهای اساسی این نسل پاسخ‌های معقول، منطقی و حقیقی بیابد:

فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت درد این نسل، هرگونه اقدامی بی‌مورد است. پس از شناخت درد باید به فکر درمان و چاره بود. اتفاقاً دیگران از راه شناختن احتیاجات، آرمان‌ها و دردهای این نسل و پاسخ درست به آنها، آنها را منحرف کرده‌اند؛ مانند مکتب ماتریالیسم در ایران ...¹⁸

استاد مطهری رمز انحرافات نسل جوان را در عدم پاسخ‌گویی به نیازهای او می‌داند و می‌فرماید:

ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاق نسل جوان را در لایه لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است، و از این نظر فوق‌العاده نیازمند است.¹⁹

ایشان زایش و پیدایش سؤالات جدید و نیازهای تازه را انحراف و انحطاط و زاییده هوس‌ها و شهوت‌های نسل جوان نمی‌شمارد، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می‌داند؛ البته به شرط آنکه اندیشمندان و عالمان دینی به وظیفه خود در پاسخ‌گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند.

ما کشوری هستیم که اسلام را الگوی خودمان معرفی کرده ایم و از آن دفاع می‌کنیم، ولی در تبیین و عمل به آن در جامعه، گاهی راه‌های افراطی یا تفریطی را طی می‌کنیم. همین مطلب موجب می‌شود که برخی وقتی عدم ثبات را در این زمینه می‌بینند از اصل دین‌گریزان شده و به فرهنگ دیگری جذب شوند.

کسانی که در یک کشور اسلامی، اسلام را ارائه می‌دهند و به اجرا می‌گذارند باید یک حد متعادل و وسطی را مراعات کنند تا زمینه افراط و تفریط بسته شود و کسانی به فکر گرایش به افکار غیر اسلامی نیفتند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عوامل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه

الف. عدم شناخت صحیح فرهنگ غرب

برخی چنین می‌پندارند که در پس نظم موجود در غرب ارزشی نهفته است، حال آنکه با دقت در زندگی غربی می‌بینیم که چنین نیست. نظام اسلامی حقوق بسیاری برای مردم قایل است. اسلام سفارش‌های بسیاری دارد مبنی بر اینکه نباید حق دیگران از بین برود. ارزش‌های بسیاری در پس رعایت همین قوانین راهنمایی و رانندگی ما قرار دارد؛ از جمله حق الناس. اما در غرب چنین ارزش‌هایی مطرح نیست؛ نظم موجود متأثر از پولی است که هم از مردم می‌گیرند و هم صرف این کار می‌شود؛ برخی قوانین وضع می‌شود، فناوری به کار گرفته می‌شود و به تبع آن، رعایت قوانین.

ولی نکته حایز اهمیت این است که برخی تصور می‌کنند واقعاً جامعه غربی یک جامعه ارزشمند است؛ یعنی یک سلسله ارزش‌های اخلاقی، معنوی و دینی باعث می‌شود که مردم قوانین را مراعات کنند، اما چنین نیست.²⁰

مردم غرب تافته جدا بافته نیستند و اصالتاً با ما تفاوت ندارند؛ مثلاً این گونه نیست که آنها اهل صداقت باشند و ما نباشیم و یا در آنها صافی باشد و در ما آلودگی. همین‌ها هم که به عنوان نمونه ذکر می‌کنند مربوط به عوامل نظارتی است که به اینجا منجر شده. برای مثال، در فروشگاه‌ها به ظاهر کسی ناظر اعمال مراجعه‌کنندگان نیست، ولی دوربین‌های مخفی و عوامل غیرمحمسوس وجود دارند که اگر کسی مرتکب خلافی شود، برخوردهای شدیدی با او می‌کنند؛ افراد مطمئن هستند که تحت مراقبتند و کسانی ناظر آنها نیستند. یا مثلاً، برخورد خوب همراه با روی باز و تبسم صاحبان مغازه‌ها با خریداران به این خاطر است که در آنجا پیدا کردن کار بسیار سخت است؛ اگر کسی کار پیدا کند، شغلی به دست آورد، آن را از موفقیت‌های بزرگ خودش می‌داند؛ چون در آنجا رقابت شدیدی برای به دست آوردن کار وجود دارد.²¹

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ب. مشکلات اقتصادی موجود در داخل کشور

در دوره جوانی غرایز به نقطه اوج می رسد و جوان در پی ارضای آنهاست. تأمین به موقع این نیازها، نقش بسیار مهمی در تعدیل رفتار و رشد و تکامل او دارد و عدم ارضای آنها نه تنها مانع رشد و کمال می گردد، بلکه سبب ناهنجاری های رفتاری زیادی می شود. کفر - به عنوان یک ناهنجاری اعتقادی - همان سان که می تواند معلول جهل و ضعف معرفتی باشد، معلول فقر نیز هست. از این رو، معصومان (علیهم السلام) فرموده اند: یکی از پیامدهای احتمالی فقر، کفر و دین گریزی است.²²

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در مورد ازدواج می فرماید:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ احْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي»²³; آنکه ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است؛ پس در نیم دیگر پروای الهی پیشه سازد.

فراهم نبودن شرایط ازدواج سالم، زمینه ساز گناه و زایل شدن ایمان می شود و به تدریج تبدیل به گریز از دین می گردد. بنابراین، ارضای نیازهای جسمانی و روحانی، در بهداشت روانی جوان مؤثر است و فقدان آن نه تنها سلامتی وی را تهدید می کند، بلکه زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری هاست.²⁴

ج. آزادی ابتذال و فساد و بی بندباری در غرب

به طور طبیعی کسی که مایه های اصیل اسلامی در او تقویت نشده این گونه آزادی ها نظر او را جلب می کند و تصور می نماید که این آزادی یک نحو اصلتی برای او می آورد و او را در دنیا سعادت مند می کند. ولی با نگاهی به جامعه غربی، به راحتی می توان دریافت که این تفکر چقدر اشتباه است و به واقع، آنچه اکنون غرب را در بسیاری از مسائل روحی و اجتماعی به بن بست کشانده همین آزاد گذاشتن غرایز جنسی است. نکته حایز اهمیت این است که به تدریج فحشا از ناحیه کسانی صورت می گیرد که وظیفه آنها نجات جامعه از سقوط اخلاقی است. رهبران فکری جامعه به عنوان طرف داران آزادی مطلق، مفهوم واقعی «فحشا» را تغییر داده و مردم را به ارتکاب آنچه مخالف شرف و فضیلت است تشویق می نمایند. ویل دورانت می گوید:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

زندگی شهرنشینی در غرب طوری شده که آدمی را از اندیشیدن به ازدواج باز می‌دارد.²⁵

د. استقبال کشورهای غربی از نخبگان و ذهن‌های خلاق دنیا

درک نقش و وظایفی که نخبگان یک جامعه در هدایت جامعه و پیشرفت آن دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر این مسئله درست درک نشود و برای استفاده بهینه از این افراد برنامه ریزی نگردد و جایگاه مناسب اجتماعی و شرایط لازم یک زندگی راحت فراهم نشود، خیلی زود این سرمایه‌ها از دست می‌رود. غرب به دلیل آنکه باید برای رشد صنعت و به روز نگه داشتن نوع فناوری‌های خود از مغزها پیوسته استفاده کند تا بتواند در جهان رقابت کامل زنده بماند، در جهت جذب نیروهای کیفی عالم برنامه‌های بسیار متنوع و جذابی در نظر گرفته است. در مقابل، از آن رو که ما روزانه فکر می‌کنیم و در فکر برنامه‌های دراز مدت نیستیم و شاید در بسیاری از موارد، اصلاً بدون برنامه و نظم کار می‌کنیم، به طور طبیعی برای استفاده از این نیروهای مفید نه تنها برنامه‌ای نداریم، بلکه گاهی موجبات هدر رفتن آنها را با دست خود فراهم می‌کنیم. از این روست که به محض شکوفایی یک استعداد و مطرح شدن آن در جامعه، شاهد پذیرش یک طرفه از سوی دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی هستیم. آنها مترصدند تا استعدادهای کشورهای شرقی را سریعاً برابند.

کسانی که از مغز متفکری برخوردارند، به طور طبیعی به سوی مراکز کشیده می‌شوند که در آنجا از آنها استقبال بیشتری می‌گردد و تلاش‌های آنان ارج نهاده می‌شود.

بنابراین، مدیریت فناوری و شناخت و استفاده از فناوران مؤمن و برنامه‌ریزی برای توزیع صحیح و کارآمد آنان باید در رأس وظایف در مؤسسه یا وزارتخانه‌ای قرار گیرد تا بتواند به موقع از این نیروهای کیفی، مفید و متعهد در هر رشته استفاده لازم را در جهت شکوفایی و رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ببرند.²⁶

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

هـ. تعمیم‌های بی جا

تعمیم بی جا مفهومی است که هم در منطق و هم در روان‌شناسی از آن سخن به میان می‌آید. ساختار روانی انسان به گونه‌ای است که اگر کسی - مثلاً - در بعد اخلاقی مورد اعتماد او بود، همه نظریات آن فرد را در هر زمینه‌ای به طور کامل قبول می‌کند. ریشه این تمایل در «تعمیم بی جا» است.

این ویژگی بخصوص در دوره جوانی، در افراد زیاد دیده می‌شود؛ یعنی اگر جامعه «الف» ببیند که جامعه «ب» در یک بعد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده، دوست دارد که جامعه «ب» را در ابعاد دیگر نیز مطلوب بینگارد. نمونه این مطلب، نگاه افرادی از جامعه ما به جوامع غربی است.

برخی چون می‌بینند کشورهای غربی در صنعت گام‌های بلندی برداشته‌اند، ناخودآگاه تمایل دارند نتیجه بگیرند که همه ابعاد زندگی در این کشورها درست است و باید الگوی اینها باشد. می‌گویند: چون این کشورها از نظر فناوری بالاتر از همه جا هستند، پس اگر در آنجا بی‌حجابی وجود دارد، بی‌حجابی ارزش است؛ اگر در آنجا دین وجود ندارد، دین چیز بی‌ارزشی است!

انسان منطقی و معقول کسی است که تعمیم بی جا ندهد. تعمیم بی جا زمینه‌ای است که انسان را به مغالطه می‌کشاند. بنابراین، باید کارهای افراد را تحلیل و بررسی کنیم، ببینیم تا چه اندازه رفتار یک فرد یا یک جامعه با عوامل گوناگون ارتباط دارد. آیا فناوری با بی‌حجابی به دست می‌آید؟ اگر ما بخواهیم در جامعه خودمان نظم را حاکم کنیم آیا راهش این است که نماز نخوانیم و ارزش‌های دینی مان را زیر پا بگذاریم؟ اینها تعمیم‌های نارواست²⁷.

نتایج تحقیقات میدانی از جوانان قمی²⁸ و مطالعات تجربی شاهد و گواهی است بر آنچه گذشت. طبق نتایج یک تحقیق میدانی که از ۵۰ نفر از جوانان قمی به عمل آمده، اولویت‌هایی که جوانان برای عوامل دین‌گریزی، گرایش به فرهنگ غرب و راه‌های جلوگیری از این دو ذکر کرده‌اند به قرار زیر می‌باشد:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جدول شماره یک:

اولویت اول، دوم و آخر جوانان برای عوامل دین گریزی
عوامل دین گریزی جوانان اولویت اول (درصد) اولویت دوم (درصد) اولویت
آخر (درصد):

۱. ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین ۲۲۷۱۸
۲. غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین ۲۰۱۸۱۱
۳. تهاجم سازمان یافته فرهنگی دشمن ۲۰۱۸۹
۴. گرایش و میل طبیعی انسان ها به آزادی بی حدود و رهایی از
قید و بندها ۱۱۱۸۱۱
۵. محدودیت های اعمال شده از طرف خانواده و زیاده روی در سرزنش آنان ۹۱۴۱۸
۶. وجود شبهات دینی در بین جوانان و عدم پاسخ صحیح به آنها ۲۱۱۱۸
۷. علت های دیگر ۱۵۱۴۱۵

جدول شماره دو :

اولویت اول، دوم و آخر جوانان برای عوامل گرایش به فرهنگ غرب
عوامل گرایش جوانان به فرهنگ غرب اولویت اول (درصد) اولویت دوم
(درصد) اولویت آخر (درصد):

۱. عدم شناخت صحیح فرهنگ غرب ۲۵۱۳۷
۲. مشکلات اقتصادی موجود در داخل کشور؛ از جمله فقر و بی کاری ۲۲۳۳۲
۳. آزادی ابتذال و فساد و بی بندباری در غرب ۱۳۱۱۱۸
۴. استقبال کشورهای غربی از نخبگان دنیا ۱۳۷۱۱۱
۵. چون غرب در صنعت پیشرفته است پس در تمام زمینه ها پیشرفته است ۵۷۴۰
۶. علت های دیگر ۲۲۲۹۲۲

جدول شماره سه:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اولویت اول، دوم و آخر جوانان برای راه های جلوگیری از دین گریزی و گرایش به فرهنگ غرب

راه کارهایی برای رفع دین گریزی و گرایش به فرهنگ غرب اولویت اول (درصد) اولویت دوم (درصد) اولویت آخر (درصد):

۱. تقویت بینش دینی و سیاسی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان ۲۳۱۰۸
۲. زدودن فقر اقتصادی و ایجاد اشتغال سازنده و مفید ۲۲۱۷۱۰
۳. ارائه الگوهای مناسب به جوانان ۸۱۵۱۰
۴. مشاهده سازگاری بین قول و عمل در بین مدعیان دین ۲۰۸۱۵
۵. ایجاد زمینه های مناسب برای رشد علمی جوانان و بخصوص نخبگان ۱۵۲۵۱۰
۶. ایجاد امکانات ورزشی و محل هایی مناسب برای تفریح سالم جوانان ۵۱۲۲۴
۷. پیش گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن ۲۱۰۱۳
۸. علت های دیگر ۵۳۰

راه کارهای رفع دین گریزی و گرایش به فرهنگ بیگانه

الف. ارائه الگوهای مناسب

الگوهای جذاب، برای یادگیری و شکل دهی رفتار انسان ها، به ویژه جوانان، نقش اساسی دارد. در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیرپذیری از خانواده به شدت کاهش می یابد و گاهی بین خانواده و جوان تعارض و درگیری به وجود می آید. از این رو، جوان برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود می خواهد از چیزهایی غیر از خانواده و مربیان قبلی استفاده کند. از عوامل تأثیرگذار در بیرون نهاد خانواده، الگوها و دوستان هستند. در این میان، نقش الگوهای مورد قبول جوان بسیار زیاد است؛ چه اینکه دوستان نیز در حال ساختن نظام ارزشی خود و نیازمند الگوهای مورد پسند می باشند. در این شرایط، اگر الگوهای مناسب و در دسترس وجود نداشته باشد، جوان دچار سردرگمی شده و تعادل روانی او از مرز ارزشی خارج می شود. در این صورت، چه بسا به الگوهای مجازی پناه برده و یا تحت تأثیر دوستان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

کم تجربه قرار گیرد و یا به دام شیادانی بیفتد که در کمین جوانان سردرگم هستند و در نتیجه، شرایط و زمینه‌های گریز از دین برای او فراهم می‌شود.²⁹ انسان به فطرت خود، کمال دوست و کامل جو است. او به کمال عشق می‌ورزد و در پی آن می‌دود. در عرصه تربیت دینی جایگاه الگوجویی آشکارتر است. به دلیل پیوند میان آموزش و پرورش دینی، جوان درصدد یافتن الگوهایی بشری است که شاهد گویای ثمره عمل به دین باشند. برای نسل نو ارائه آموزه‌هایی بدون مصادیق مجسم و موفق و کمال یافته، چون نظریاتی انتزاعی است که با جهان آدمی بی ارتباط است. افزون بر آنکه نوجوان و جوان زندگی خویش را با کاوشی از الگوهای انسانی برتر می‌آغاز (آغاز می‌کند). اگر آنها را در دین گرایان نیابد، در دین ستیزان می‌کاود و تا رفع این نیاز هرگز نمی‌آساید. الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر؛ بلکه باید بشر مافوق تلقی شوند، زیرا موفق بشر نمی‌تواند الگوی نیکویی برای آدمی باشد.³⁰

ب. تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان

در مواردی دین چنان به جوان معرفی می‌شود که گویی مانع ارضای نیازهای اوست. چنین تصویری در نهایت، به دین‌گریزی می‌انجامد. جوان در شرایطی قرار دارد که انواع غرایز، به ویژه غریزه جنسی و لذت‌طلبی، در او به نقطه اوج رسیده و عوامل بیرونی نیز او را احاطه کرده و آتش شهوت را در او برافروخته می‌کند. حال اگر دین به گونه‌ای ترسیم شود که گویی مانع ارضای غرایز اوست و راه‌کاری برای ارضای آنها ندارد، طبیعی است که نسبت به دین‌گریزان می‌شود و دین‌پذیری را مساوی با سرکوب غرایز خود می‌انگارد. افزون بر آن، روحیه استقلال‌طلبی، حریت و قطع وابستگی، از جمله ویژگی‌های روحی جوان است. او یک دوره گذار از وابستگی به استقلال را طی کرده و می‌خواهد با اراده آزاد خود انتخاب کند. از نظر اخلاقی نیز مرحله اخلاق «دیگر پیرو» (تقلیدی) را پشت سر گذاشته و وارد مرحله اخلاق «خود پیرو» گردیده است.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

او از هر مانعی - هر چند - تخیلی گریزان است و می خواهد در رفتار، گفتار، تفکر و انتخاب آزاد باشد.

گرچه عدم تربیت صحیح روحیه استقلال طلبی و پیروی بی چون و چرا از غرایز و لذت طلبی افراطی، برای جوان بسیار خطرناک است، اما در بدو امر، هر چیزی که بخواهد محدودیتی برای او ایجاد کند امری ناخوشایند تلقی می شود، مگر اینکه راه کارهای دین برای ارضای سالم غرایز به خوبی برای او ترسیم شود.

یقین به حقایق با عظمتی همچون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و میزان معنویت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می تواند همچون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می نماید و از کژروی و ناهنجاری ها باز می دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: (يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ) (یونس: ۹)؛ پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایت می کند.

بی تردید، شناسایی دشمن و اهداف وی از الفبای مبارزه به شمار می آید؛ برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ دشمن و ویژگی های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای، اندیشمندان را در شناخت درست ردپای انحراف یاری می دهد.

از سوی دیگر، باید اهداف دشمن، ابزار و شیوه های مورد استفاده وی شناسایی شود. آگاهی از ابزار و شیوه های مورد استفاده یورش گران می تواند مسئولان را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثا سازد³¹.

ج. زدودن فقر اقتصادی و اشتغال سازنده و مفید

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده های جامعه به شمار آورد. بی تردید، بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، گدایی، خودفروشی، و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

اعتیاد به علت تنگدستی و بی چیزی به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می‌نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند.

پدیده فقر در هر جامعه‌ای که چهره‌گریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن زیربنای تمامی ارزش‌های انسانی را از بن ویران می‌سازد و کاخ‌های کرامت و شرافت آدمی را به بیغوله‌های ننگ و بدنامی تبدیل می‌کند.³²

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، اشتغال‌سازنده و کار مفید است. اشتغال‌سازنده زمینه‌سکوفاپی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات را فراهم می‌آورد و کار و تلاش، شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه مساعد می‌سازد.

بی‌کاری موجبات تنبلی، سستی، افسردگی و قساوت قلب را فراهم می‌آورد. گسترش بی‌کاری در جامعه سبب افزایش فقر و ناتوانی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا شده و به کفر می‌انجامد.

عدم اشتغال ذهنی، تخیل‌گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب‌پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و عدم اشتغال جسمی رکود و سستی و تنبلی و بیماری جسمی و بدنی را دامن می‌زند و خمودی و ناتوانایی را دنبال می‌کند. به همین دلیل، «کار به عنوان یک عامل سازنده بسیار مهم در تربیت اسلامی قلمداد گشته و بی‌کاری و فقر به شدت نفی شده است»³³.

د. پیش‌گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

نگاه‌بانی از ارزش‌های الهی، بینشی ژرف می‌طلبد؛ بینشی که در سایه آن همه عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی می‌سازد. از این رو، بر همه مسئولان امر وظیفه است که به هر شکل ممکن جلوی نفوذ فرهنگی دشمن را بگیرند. چنانچه این کار انجام نشود، همه مسئول می‌باشند.

امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید:

«اکنون وصیت من... آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتاب‌ها و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود، از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشورهای اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند.³⁴

هـ. استفاده از امکانات تربیت بدنی

تربیت بدنی و سلامت جسمی، نیاز طبیعی فرد سالم و جامعه سالم است که می‌تواند زمینه ساز سلامت روانی و عاطفی آنان شود. میزان سلامت جوانان در چگونگی پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است. هر چه جوان سالم‌تر، بانشاط‌تر و شاداب‌تر باشد فراگیری و رشد، سریع‌تر و متعادل‌تر صورت می‌گیرد و زحمات صورت گرفته از سوی والدین و مسئولان بیشتر به نتیجه می‌رسد و متقابلاً این گروه هر چه از سلامت کمتری برخوردار باشند کسالت و خمودی بیشتر می‌شود و در نتیجه، افت تحصیلی و مشکلات رفتاری فزون‌تر می‌شود.

از سوی دیگر، نوجوان و جوان سرشار از انرژی فزاینده است که باید به صورت صحیح و منطقی تخلیه شود. تراکم این انرژی و عدم تخلیه معقول آن می‌تواند زمینه ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. چنانچه معمولاً کودکان در ممنوعیت بیش از حد، برای محیط خانه و اجتماع مسئله‌آفرین هستند و اغلب بزهکاران امکان و شرایط لازم و هدایت شده برای تخلیه انرژی خویش را نداشته‌اند.

اگر محتوای آموزه‌های تربیتی مجموعه‌ای از سلب‌ها و ممنوعیت‌ها، بدون جایگزینی مناسب باشد به تدریج متربی را از میدان به در می‌کند، زیرا: اولاً، تربیت در پرتو احساس اشتیاق متربی حاصل می‌شود و غالب جوانان اشتیاقی به نهدی و منع ندارند. ارائه جایگزین‌های دلنشین می‌تواند رغبت‌آفرین باشد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ثانیاً، بسیاری از ممنوعیت‌های دینی، لذا اید مادی است که جوان به طور غریزی در پی آنهاست؛ ارتکاب آنها راهی به سوی ارضای نیازهای غریزی و ترک آنها به منزله نبرد با گرایش‌های درونی است. بدین روی، هدایت جوان نمی‌تواند چگشی انجام گیرد و امیال درونی وی به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید با ارائه طریق مناسب و جایگزین مشروع برای ارضا همراه شود.

ثالثاً، جوانی که به محرّماتی عادت کرده است، ترک عادت او را به تنش شدید روانی دچار می‌کند. در صورتی می‌توان از این تنش‌های طاقت‌فرسا جلوگیری کرد که عادات جایگزین حاصل شود.

رابعاً، منع‌ها غالباً وقت‌آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضرّ اوقات فرد خالی می‌شود لازم است که به وجهی نیکو پر شود، وگرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند.

بر این اساس، اگر تفریحات ناسالم از متریب گرفته می‌شود، لازم است که امکان تفریحات سالم فراهم شود، که استفاده از امکانات تربیت‌بدنی یکی از این جایگزین‌ها می‌باشد³⁵.

رویکرد تاریخی

به لحاظ تاریخی دوره پس از جنگ جهانی دوم در ایران شروع یک دگرگونی کامل در دریافت مذهبی و نیز ساخت تفکر دینی علمای شیعه است؛ چراکه در شرایط جدید پس از سقوط رضا شاه از یک سو جریانهای چپ‌مبته بر مارکسیسم به مثابه مهم‌ترین جریان روشنفکری مطرح شدند که از اصلی‌ترین پایه‌های آن، ضدیت با دین و اندیشه دینی بود و از سوی دیگر، دین‌ستیزی در قالب پیراستن مفاهیم سنتی از دین توسط برخی از روشنفکران همچون احمد کسروی ترویج شد. این چالشها و مبارزه طلبیها واکنشهایی را در لایه‌های مذهبی جامعه در پی داشت. دگرگونی یادشده از لحاظ کمی و کیفی تا پیروزی انقلاب اسلامی روند فزاینده‌ای یافت و تأثیر جدی بر تفکر سیاسی معاصر شیعه بر جای گذاشت؛ هرچند به طور کلی جریان تفکر اسلام‌فقاہتی در اصل ارائه‌دهنده بینش سنتی بود ولی در

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عین حال، در درون خود آمادگی لازم برای نواندیشی را فراهم ساخت و در کنار آن اندیشه گرانی ظهور کردند که با طرح دیدگاههای خویش و به ویژه بیان دین به زبان روز و بر اساس مقتضیات زمان و مکان، تحولی عمده در پذیره های سنتی-دینی ایجاد کردند. این جریان فراتر از آنکه دکتر عنایت آن را در چارچوب علل و انگیزه های اجتماعی تحلیل کرده (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۷۸)، به شکل شگفت آوری سیاسی نیز بوده است.

سخنگویان عمده این تحول را در این دوران، می توان گروهها و افرادی چون فدائیان اسلام، آیت الله کاشانی(ره)، آیت الله بروجردی(ره)، علامه طباطبایی(ره)، امام خمینی(ره)، استاد مطهری(ره)، آیت الله سید محمود طالقانی(ره)، دکتر سید محمد بهشتی و دیگران قلمداد کرد که بیشترشان ضمن تلاش برای طرح مجدد دین در جامعه، در آماده سازی تفکر دینی برای ایفای نقش برتر سیاسی-اجتماعی جدی بودند. هرچند منحنی اندیشه این سخنگویان دارای تفاوت قابل اعتنایی است، کوششهای آنها در میان جامعه شیعی ایران، بیشتر صرف هدفهای مهمی چون آماده سازی دینی برای ایجاد یک حرکت فعال بر اساس دین، مبارزه با بی دینی و تفسیر نوین از پذیره های سنتی شیعه، آزادیخواهی و مبارزه با استعمار خارجی بوده است؛ لذا اصلاح طلبی شیعی تفاوت آشکاری با اصلاح طلبی سنی مذهب دارد. بخش عمده ای از این تفاوت به تعبیر

استاد مطهری(ره) به فرهنگ شیعه بازمی گردد که برخوردار از فرهنگی زنده، حرکت زا و پویاست که از روشهای علی(ع) و از اندیشه های او تغذیه می کند. این فرهنگی است که در تاریخ خود، عاشورا دارد؛ صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت دویست و پنجاه ساله دارد. هیچ یک از فرهنگهای دیگر، چنین عناصر حرکت زایی در خود ندارند. (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۴۷).

از این رو، بهتر است به جای به کار بردن اصطلاح مرسوم اصلاح طلبی دینی از واژه بیدارگری و بازسازی دینی استفاده کنیم و به تلاشهای فکری ای عنایت کنیم که به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

طرح مجدد دین و تعمیم معارف دینی، نواندیشی و به دفاع از دین در مقابل هجوم‌های فکری عصر پهلوی همت گماشته است.

از لحاظ تاریخی ادبیات احیاء و اصلاح شیعی معاصر در ایران به سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌رسد که او نیز یکی از پایه‌های اصلاح‌گرایانه اش دفاع از دین و طرح مجدد آن بود که نمونه‌ای از کوشش‌های وی را در این راه می‌توان در اثر مهم او با موضوع «ردّیه بر مادی‌گرایی» یافت. در دوران مشروطیت مهم‌ترین اثر در ادبیات سیاسی-دینی کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» در اساس و اصول مشروطیت بود که توسط میرزای نایینی نوشته شد و علمای بزرگی چون محمد کاظم خراسانی و ملا عبد الله مازندرانی از دیدگاه او دفاع کردند (نایینی، ۱۳۳۴).

کتاب نایینی دلایل عقیدتی و مثبت برای حمایت از مشروطه ارائه می‌کرد که در نوع خود اهمیت زیادی داشت. اندیشه احیاء در دوران حکومت رضا شاه به دلیل مبارزه جدی علیه دین و فشار استبداد حاکم متروک ماند و اندیشه ملی‌گرایی تاریخی با تمایلات شدید ضد مذهبی مورد توجه و تشویق حکومت واقع شد. اما پس از سقوط حکومت پهلوی اول و به دلیل شرایط خاص پیش آمده تا اندازه‌ای آزادی بیان به وجود آمد و قدرت دولت مرکزی در کنترل نیروهای مخالف برای یک دهه به شدت کاهش یافت و شرایط برای بیان اندیشه‌های دینی نیز فراهم شد. در مجموع، بازسازی دینی به لحاظ تاریخی در دوران پس از جنگ دوم جهانی تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن توسعه و رواج یافت و «طیفی از علمای شیعی سعی کردند ثابت کنند که تشیع از نظر سیاسی یک نظام است» (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۵۰).

بخش مهمی از ادبیات دینی به ویژه آنهایی که در دهه چهل و پنجاه شمسی به وجود آمد، بیانی کاملاً نو و یا دست کم متفاوت از گذشته داشت و دربرگیرنده مقولات سیاسی، اقتصادی، رابطه بین دانش و تجدید حیات فلسفی عقلی و سرانجام، ارائه اسلام با لحنی جدید و پذیرفتنی برای طیف وسیعی از جوانان تحصیل کرده در جو غیر مذهبی آن زمان بود که خود موجب طرح دین به مثابه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

یک عامل قابل مشاهده در زندگی عمومی شد. این کنکاشها تا حدّ زیادی توأم با فعالیتهای سیاسی بود و به افزایش سطح آگاهی بخش مهمی از مردم انجامید و وفاداری به مذهب تشیع را در میان آنان نمودار نمود و در نهایت باعث شد تا پس از جنگ جهانی دوم، برای اولین بار در ایران شاهد پیدایش گروههای اسلامی باشیم. یکی از سیاسی ترین این تشکیلات سازمان فداییان اسلام بود که هم به دلیل اتخاذ شیوه مبارزه مسلحانه و هم از لحاظ فکری تأثیر شگرفی در مبارزات دینی ایران گذاشت؛ با این حال، بین این تشکیلات و علمای بزرگ شیعه ایران اختلاف نظرهای جدی وجود داشت. نخستین انگیزه فداییان اسلام برای مبارزه، پاسخ گویی به مسلک سازی و ترویج اندیشه های ضد دینی آن دوران (خسرو شاهی، ۱۳۷۵، ص ۳۵) و در ادامه آن به میزان زیادی ایجاد تحرک در طیف روحانیتی بود که به ویژه به نظر فداییان مراتب عالی آنها (روحانیت) در مبارزاتشان کوتاهی نشان می دادند (کمبریچ، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵).

طرح مجدد دین در جامعه به وسیله فداییان اسلام، نقطه عطفی در روند دین گرایی و تجدید حیات دین به شمار می رود؛ به ویژه اینکه فداییان اسلام، فعالیتهای خود را در شرایطی آغاز کردند که اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی در ایران در حاشیه سیاست ملی و اندیشه های روشنفکری قرار گرفته بود. این موضوع بدون تردید برگرفته از نفوذ اندیشه های غیر دینی، اعم از لیبرال و چپ، بود که متأثر از شرایط بین الملل و جنگ جهانی دوم به وجود آمده بود.

فداییان در تاریخ جدید ایران ضمن درک چالشهای موجود در مقابل دین و باورهای دینی، تأکید داشتند که اسلام نظام کاملی برای زندگی است و باید در شرایط نوین عملگرا بودن خود را ثابت کند؛ از این رو، آنان از جمله نخستین گروههای سیاسی-مذهبی به شمار می آیند که تشکیل دولت اسلامی را هدف خود قرار دادند و فعالانه برای رسیدن به آن دست به کار شدند (خسرو شاهی، ۱۳۷۵، صص ۲۸۰-۲۸۲).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کوشش‌های امام خمینی(ره) در دهه بیست نیز حائز اهمیت فراوان است. مهم‌ترین موضع‌گیری‌های فکری که از طرف روحانیت در قبال توسعه اندیشه‌های ضد دینی در این دوره انجام گرفت، کتاب «کشف الاسرار» امام خمینی(ره) بود. وی این کتاب را در پاسخ به جزوه کوتاهی که علی اکبر حکمی زاده از دوستان و شاگردان احمد کسروی به پیوست مجله پرچم کسروی و با عنوان «اسرار هزار ساله» منتشر کرد، نوشت. حکمی زاده در این جزوه ۳۸ صفحه‌ای به انتقاد از تشیع پرداخت و در آن سیزده سؤال مطرح کرد.

کوشش‌های اصلی امام(ره) در این کتاب دفاع از تمامیت و کلیت آموزه دینی در چارچوب پاسخ به شبهات مطرح شده در کتاب «اسرار هزار ساله» بود. وی شرایط حاکم بر ایران را حاصل افسارگسیختگی و تخلف از دین و مراسم دینی قلمداد می‌کند و سپس، در شش بخش توحید، امامت، نقش علماء، دولت، قانون و حدیث، دیدگاه‌های نویسندگان را نقد کرده پاسخ می‌دهد. هرچند دوران مورد بحث به نظر بعضی دوران سکوت امام(ره) بوده، اثر وی در این دوره یک اثر کاملاً سیاسی است که مقدمه تحولات بعدی را شکل می‌دهد. طرح کلی وی در این کتاب در دفاع از دین، بازسازی و شکل‌دهی مجدد تفکر دینی در جامعه ایران بود.

کتاب «کشف الاسرار» امام(ره) در ادبیات نوین دینی در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد که متضمن بحث درباره حکومت و قانون از نظر دین نیز است (امام خمینی(ره)، بی تا، صص ۲۲۱ و ۲۲۸) و تصریح می‌کند که دین با زندگی امروز سازگار و احکام دین همان احکام عقل است (امام خمینی(ره)، بی تا، ص ۲۳۵) که برای سازمان و کشور و زندگی آمده است (امام خمینی(ره)، بی تا، ص ۲۳۶). ایشان در این کتاب علت عقب ماندگی ایران را ناشی از جدایی و دوری از دین می‌داند و تأکید می‌کند اگر قوانین اسلام در همین مملکت ما جریان پیدا کند، روزی می‌آید که پیشقدم در تمدن جهان باشد (امام خمینی(ره)، بی تا، ص ۲۳۸). البته در بررسی تأثیر امام(ره) در بازشناسی نقش دین در جامعه، خود موضوع مستقلی است که مجال دیگری می‌طلبد. در همین راستا،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نقش آیت الله کاشانی(ره) نیز در جهت طرح دین در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی در این دوره حائز اهمیت است؛ بدون شک کوششهای وی در دهه بیست، عامل بسزایی در به صحنه آوردن نیروهای مذهبی و نیز سیاسی کردن روحانیت شیعه داشت. ۱

کاشانی از شاگردان ملا محمد کاظم خراسانی از مدافعان مشروطه بود(دوانی، بی تا، صص ۲۴۱-۲۴۷). وی سعی داشت که به سنتهای مشروطه وفادار باقی بماند؛ از این رو، مانند سایر روحانیان این طیف معتقد بود که شیعه در تاریخ جدید خود با نیازهای عصر نوین روبه رو شده و قبل از هر چیز، دین باید بر بی تحرکی موجود که در میان افکار مردم رسوخ کرده است، فائق آید. وی به دنبال آرمانهای خود، بعدها نیز در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران فعالانه شرکت کرد و به همکاری با نیروهای ملی و تقویت آنان پرداخت و خود از بنیان نهضت ملی بود(دوانی، بی تا، صص ۲۳۸). کوششهای وی برای فعال کردن علمای مذهبی در جهت ملی شدن صنعت نفت باید بسیار مهم تلقی شود؛ زیرا این تلاشها باعث شد کسانی چون خوانساری، شیخ بهاء الدین محلاتی، شاهرودی و سید محمود روحانی، بر لزوم ملی شدن صنعت نفت فتوا صادر کنند.

این همکاری با نیروهای ملی در نوع خود دومین تجربه همکاری روحانیان و ملی گراها پس از مشروطیت و قبل از انقلاب اسلامی در ایران بود که بدون شک به دلیل نتایج آن به شکل قابل ملاحظه ای در تشدید بی اعتمادی میان روحانیت مبارز شیعه با نیروهای ملی و نیز اتخاذ تدابیر جدید مبارزاتی در میان آنان اثر جدی گذاشت.

هرچند کوششهای وی برای طرح دین در عرصه سیاست و اجتماع، قرین موفقیت کامل نبود، تأثیر شگرفی بر ساختار مذهبی جامعه گذاشت. بیان وی در ارتباط با نقش سیاسی و اجتماعی دین، نگاهی جدید پس از یک دوره دین زدایی در جامعه بود. وی در پاسخ به خبرنگاری که از وی پرسیده بود: آیا فعالیت آن جناب بیشتر متوجه امور مذهبی است یا امور سیاسی؟ گفت: در دین ما رهبانیت نیست و دخالت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در امور سیاسی یعنی رسیدگی به کارهای اجتماعی هموطنان مسلمان که از وظایف پیشوایان دین اسلام است.

در هر حال، کاشانی را باید یک مجتهد مبارز و عمل‌گرا و نه یک مجتهد متفکر در عرصه اندیشه سیاسی به شمار آورد. کوشش وی در جهت طرح مجدد دین و بازسازی دینی و فعال کردن روحانیت در امور سیاسی تأثیر شگرفی داشت.

اما مهم‌ترین و عمده‌ترین رهبر مذهبی این دوران که در مقام مرجعیت عام شیعه قرار گرفت، آیت‌الله بروجردی (ره) بود. پس از بحرانی که در دوره حکومت رضا شاه حوزه‌های علمیه شیعه را دربرگرفت، بازسازی مدارس و حوزه‌های علمیه شیعی را پس از سالهای ۱۳۲۰ کاملاً توجیه پذیر می‌کرد. این نقش را به ویژه باید در اقامت آیت‌الله بروجردی (ره) در قم به مثابه اصلی‌ترین مرکز مذهبی که به دعوت علمای قم صورت پذیرفت (دوانی، بی تا، ص ۳۳۷) و نقشی که وی در تقویت این حوزه درسی انجام داد، جستجو کرد. هرچند آیت‌الله بروجردی (ره) یک زندگی سیاسی نداشت و سیاست‌گریزی را در حیات خود تجربه کرد (دوانی، ۱۳۷۱، صص ۴۴۱-۴۴۲)، حضور وی در حوزه علمیه قم، این حوزه را به صورت قوی‌ترین و عمده‌ترین مرکز مذهبی شیعه به ویژه در ایران پس از سالهای ۱۳۲۰ درآورد. این تأثیر بیشتر به دلیل مرجعیت بی‌چون و چرای ایشان بود.

اما علی‌رغم سیاست‌گریزی آیت‌الله بروجردی (ره) که به طور مشخص می‌توان به دلیل تجربه ناامیدکننده مشروطیت و نیز شرایط سخت حکومت رضا خانی و فشار گسترده‌ای که به روحانیت شیعه وارد شد، ارزیابی کرد، نقش وی در تداوم تاریخی تفکر شیعه در مقولات متعدد بسیار بااهمیت و بنیادین است.

در هر حال، تمرکز مجدد مرجعیت شیعه در شخص واحد در این دوره به دلیل توان علمی و فقه‌ای آیت‌الله بروجردی (ره) برای نیروهای مذهبی این امکان را به وجود آورد که دوباره بازسازی شود و در پرتو آن انسجام و وحدت روحانیت شیعه نیز فراهم آید. این انسجام و هماهنگی بدون تردید موجبات لازم را برای نیروسازی و آمادگی نیروهای مذهبی شکل داد. به علاوه با حضور آیت‌الله بروجردی (ره) در قم

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مرجعیت شیعه نیز از نجف به ایران منتقل شد و تأثیر فکری حوزه نجف بر تحولات معاصر ایران که البته دور از واقعیات سیاسی و اجتماعی ایران ایفای نقش می‌کرد، تا حدّ زیادی پایان یافت و این امکان برای دستگاه روحانیت شیعه به وجود آمد که در

درون واقعیات و شرایط جامعه با درک درست از آن، نیروها را منسجم و ارائه طریق کند. این موضوع به ویژه در عملکرد سیاسی نیروهای مذهبی و توسعه و تعمیم اندیشه مذهبی در میان ساختار اجتماعی ایران پس از عهد رضا شاه، نقش تعیین کننده ای داشت که در دهه های بعدی نمودار شد.

فراتر از آن استقرار مرجعیت عام شیعه در قم، جاذبه های لازم برای گسترش کیفی و کمی حوزه علمیه قم را فراهم آورد. آیت الله بروجردی (ره) تلاش گسترده ای را برای صیانت و نیز بسط آموزشهای دینی پس از یک دوره رکود انجام داد. ضمن اینکه «دوره مرجعیت ایشان توأم با شکوفایی فقه شیعه [نیز] بود. [و حتی] در فقه نیز مکتب جدیدی را به وجود آورد (مطهری، ۱۳۶۸-الف، صص ۱۹۶-۲۰۴) و (دوانی، ۱۳۷۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۶). علاوه بر این وی به لحاظ مادی با تنظیم امور مالی حوزه علمیه قم، دغدغه های پیشین را رفع کرد و بدین ترتیب، اقدامات وی به قم امکان داد که نه تنها به پایگاه آموزشی اسلامی تبدیل شود بلکه به تدریج به مرکز مبارزه جویی تبدیل شود و گرایشهای غیر دینی سلسله پهلوی را به مبارزه بطلبد (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶).

از جمله آثار مهم حضور مرجعیت شیعه در قم، بسط ارتباط حوزه علمیه قم و روحانیان با مراکز و مناطق دیگر کشور بود که از طریق نمایندگان وی انجام می پذیرفت. این شبکه امکان بسیج نیروهای مذهبی و ارتباط منسجم آنها را فراهم آورد. اعزام مبلغان مذهبی به شهرها و روستاها به توسعه آموزشهای دینی و نیز تعمیق طرح دین در جامعه انجامید. هرچند این توسعه و گسترش نقش سیاسی مستقیمی را در دوره آیت الله بروجردی (ره) از خود بروز نداد، بدون تردید از زیرساختهای قدرت مذهبی به شمار می رفت و در دو دهه بعد اثر سیاسی خود را

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

گذشت؛ به عبارت دیگر، حوزه علمیه قم در سالهای مرجعیت آیت الله بروجردی(ره) در پی ریزی ساختار فکری و بازسازی و نیز سازماندهی روحانیت، اساس یک جریان و حرکت مذهبی را به وجود آورد و این به واسطه درک این نکته بود که قبل از هر حرکت، باید چنین زمینه‌ای به وجود آید و ضرورت دارد هر حرکتی فراتر از داشتن چنین زمینه‌ای، شرایط تداوم حیات خود را نیز داشته باشد؛ موضوعی که در زمان وی با تردیدهای جدی همراه بود.

از این رو، ملاحظه می‌شود نتیجه تلاشهای او تربیت صدها طلبه و دهها مجتهدی است که حرکت فکری و سیاسی بعدی را سازماندهی می‌کنند.

حوزه علمیه قم با بهره‌گیری از شرایط علمی به وجودآمده توسط آیت الله بروجردی(ره) امکان یافت که پاسخهای مناسبی به اندیشه‌های ضد دینی بدهد. البته قصد ما این نخواهد بود که چهره‌ای سیاسی از آیت الله بروجردی(ره) ارائه دهیم؛ زیرا وی خود را در هیچ حدّی با مسائل سیاسی یا اجتماعی درگیر نمی‌کرد. در عین حال، وی در یک دهه و نیم که به عنوان مرجع تقلید جامعه شیعه اثناعشری عمل کرد، روندی از تجدید حیات و انتقاد از خود در درون حوزه مذهبی ایجاد کرد که پس از مرگش هم به عنوان یک نیروی محرکه‌آنی باقی ماند و در دوره معاصر به طور وسیعی به طغیان مذهبی و فکری در ایران منجر شد. آیت الله بروجردی(ره) یک شبکه مهم ارتباطی تأسیس کرد که سراسر مملکت را برای تنظیم و گردآوری سهم امام در بر گرفت؛ اقدامی که بعدها برای اشاعه رهبری رهبران مذهبی نیز استفاده شد.

اندیشه تقریب مذاهب اسلامی، اعزام مبلغ و نماینده مذهبی به کشورهای خارجی، علاقه مندی به همکاری بین دین و علم و اصلاح ساختار حوزه‌های علمیه از نگرشهای مهم آیت الله بروجردی(ره) بود که نشان می‌دهد او متفاوت از مراجع و مجتهدان دیگر، علاوه بر جنبه‌های نوگرایانه در دیدگاهش تلاش جدی در تسهیل ترویج دین در جامعه و فهم مشترک از ارتباط دین و علم انجام داد و سعی کرد نیازهای نوین جامعه را در عصر جدید بشناسد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در این میان اندیشه گران اندکی بودند که پیش از دیگران در شکل گیری و تجدید حیات ادبیات دینی نقش داشتند؛ شهید مرتضی مطهری (ره) به طور قطع از جمله کسانی است که عمده تحلیلگران بر نقش محوری او تأکید و اعتراف دارند.

۲. استاد مرتضی مطهری (ره) و بازسازی فکر دینی

در میان متفکران معاصر شیعه مرتضی مطهری (ره) یکی از شاخص ترین آنها به شمار می آید. او در طرح مجدد دین در دهه های اخیر، ادبیات گسترده و درعین حال متنوعی را که به ویژه متضمن دفاع از دین در مقابل اندیشه های ضد دینی بود، به وجود آورد.

آغاز آموزشهای وی در چارچوب نظام سنتی حوزه های علمیه بود و آنچه از نوشته های او آشکار است، به همان سنتها تا پایان عمر وفادار ماند. هرچند طرح مسائل دینی در زبان نوشتاری و گفتاری او بازگوکننده نوآوری جدی در چارچوب مقتضیات و شرایط زمان بود، کوششهای او در طرح دوباره دین از طریق توجه به معارف و علوم دینی سنتی و نیز دلبستگیهایش به سنتهای حوزه های علمیه شیعه قابل توضیح است.

دفاع وی از دین همراه با بیان آن به عنوان ایدئولوژی بود. البته در این راستا بخش عمده ای از رویکرد وی متأثر از آموزشهای فلسفی قرار داشت. درعین حال، هر جا که لازم بود، از رویکردهای زمانه خود غافل نشده و تأملاتی عمیق را مطرح ساخته است. استاد مطهری (ره) در زمانی به مطالعات اسلامی روی آورد که اندیشه های سنتی در مورد دین با ورود گسترده افکار نو به ایران و نیز ضعف تفکر سنتی در پاسخ به معضل عقب افتادگی مسلمانان به شدت مورد هجوم واقع شده بود. او به خوبی پی برد که تنها ادعای تفکر نوین معارضه با دین نیست بلکه ادعای جانشینی آن را دارد.

استاد مطهری (ره) در این تلاش ضمن دفاع منطقی از دین و کارکردهای آن به مقتضیات جدید جامعه خود نگاه و توجه ویژه ای دارد؛ از این رو، این تلاشها به نحو محسوسی توأم با برداشتهای متفاوتی از نگره های سنی و به تعبیر دیگر، برداشتهای

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بازسازی شده از مفاهیم اساسی دین است. بی تردید تفسیرهای روزآمد وی در مورد مقولاتی چون جهاد، عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، شهادت، جهاد، دعا، توکل و مهدویت و غیره، و بیان ساده هر یک از آنها فصل نوینی در معرفت دینی پایه گذاری کرده است؛ چراکه عموم ادبیات دینی قبل از آن، ادبیات ثقیل و به زبانی غیر از زبان مردم، یعنی زبان عربی، بود که این معضل به ویژه موجب عدم دسترسی و دستیابی عموم مردم به معرفت‌های دینی بود.

این وجه، یعنی ساده بیان کردن و ساده نویسی حتی در آثار فلسفی وی نیز بی نظیر است و موجبی برای گسترش تعداد مخاطبان و به تبع آن، تعمیم نگره‌های دینی در جامعه بود. وی در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» می‌نویسد: «سعی کرده ایم که مطالب را به زبان ساده و قابل فهم برای عموم در دسترس خوانندگان محترم بگذاریم و

شاید اینجانب در اثر حرص و اصراری که نسبت به این موضوع داشته، از این جهت یک مطلب را با عبارات و تعبیرات مکرر ادا کرده است» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۴۶۱). تلاش وی در تعمیم آموزش‌های دینی توأم با نقش دفاعی او در مقابل منتقدان نسبت به اسلام به وضوح در نوشتارهای او آشکار است. دفاعیه‌ای که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، کلامی، فلسفی و تاریخی متبلور شد و اساس انگیزه دفاع از دین، وی را به عرصه‌های متعدد تحقیق و پژوهش کشاند؛ از این رو، در آثارش تنوع قلمرو بحث یافت می‌شود؛ به نحوی که از سویی کتاب «داستان راستان» و از سوی دیگر، کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و یا «نقدی بر مارکسیسم» را می‌نویسد.

مطهری (ره) خود در این باره می‌گوید: «این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌ها آن را هدف قرار دادم، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است» (مطهری، بی تا-الف، ص ۸). وی در خصوص عرصه‌های کار خود نیز می‌نویسد: «برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته‌ها کاملاً مغایر است، هدف اینها یک چیز بوده و بس و آن شناساندن حقیقت اسلام و عقده‌گشایی در مسائل اسلامی و مبارزه با انحرافات فکری بوده است» (مطهری، بی تا-الف، ص ۱۰). وی مانند بسیاری از مدافعان دین در دوران معاصر سعی کرد با نشان دادن مشکلات بشری و عدم کفایت عقل انسانی برای حل آنان، نسخه خویش را برای گشایش آن ارائه کند.

اوج دفاع مطهری (ره) از دین را می‌توان در نقد وی بر اندیشه‌های مارکسیستی و الحادی جستجو کرد که بخش مهمی از دغدغه‌های فکری او را تشکیل می‌داد؛ او ملاحظه می‌کرد که ماتریالیسم در عصر ما به خصوص در کشور ما جامه منطق را از خود دور کرده و به سلاح تبلیغ مجهز شده است (مطهری، بی تا-ب، ص ۸). دوران زندگی مطهری (ره)، دوران رشد اندیشه‌های مادی در ایران بود و اندیشه‌های او طیف زیادی از جوانان و دانشجویان را دربرگرفت و یک نسل از جامعه ایران را متأثر کرد.

مهم‌ترین تلاش وی در نقد این اندیشه‌ها کوششی بود که به همراه علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) و با عنوان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» انجام داد. وی در

خصوص این کتاب می‌نویسد: «در این جهت ارزش فلسفی و منطقی آن در نظر نگرفته ایم بلکه از لحاظ اینکه نشریات مربوط به ماتریالیسم دیالکتیک بیش از اندازه در کشور ما منتشر شده و افکار عده نسبتاً زیادی از جوانان را به خود متوجه ساخته و شاید عده‌ای باور کرده باشند که ماتریالیسم دیالکتیک عالی‌ترین سیستم فلسفی جهان و ثمره مستقیم علم و خاصیت لا ینفک آنها است و دوره حکمت الهی سپری شده است، لازم بود که تمام محتویات فلسفی و منطقی این رسالات تجزیه و تحلیل شود تا ارزش واقعی آن به خوبی واضح گردد» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۵۱).

کوشش مهم دیگر وی در این خصوص کتاب «نقدی بر مارکسیسم» است که به صورت مستقل و به صورت درسهایی حد فاصل سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۶ در قم صورت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

پذیرفته است. استاد مطهری (ره) در این خصوص ضمن بحث درباره علل گرایش به مادیگری، علل پیدایش مارکسیسم را بحث کرده و به نقد فلسفی مارکسیسم می‌پردازد.

جهت دیگر تلاش‌های فکری او برای حفظ چارچوب دین، نقد و تحلیل ناسیونالیسم فرهنگی و سیاسی در دوران خود بود. بحث مربوط به ناسیونالیسم در حول و حوش انقلاب مشروطیت ایران موضوعیت مشخصی یافت ولی جهت آن بیشتر متوجه حقوق مردم و آزادی شد تا مسئله ملت‌سازی نوین. به نحوی که دکتر عنایت در این باره می‌نویسد: «نوشته‌های مربوط به این موضوع که روشنفکران ایرانی قرن نوزدهم نوشته‌اند، اشاره‌ای کمیاب یا دورادوری با این گونه مسائل نظیر وحدت ملت ایران، یا عناصر سازنده هویت آن و تعارض بین فرهنگ پیش از اسلام در ایران با فرهنگ اسلامیش می‌یابیم و به جای آن درخواست مداوم دموکراسی و نظام نمایندگی و حکومت قانون، انتقاد از اوضاع و جریان امور و مقایسه حسرت بارانه پیشرفتهای جدید در مقایسه با عقب ماندگی می‌بینیم» (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۲۱۳).

دکتر عنایت به لحاظ تاریخی علت آن را بدین نحو تحلیل می‌کند که از اوایل قرن دهم هجری (۹۰۸ ق) ایران کشوری مستقل بوده و وحدت و هویت ملت عملاً حاصل بوده است (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۲۱۲) ولی باید اضافه کرد که بدون تردید گسترش اندیشه تشیع در قرون اخیر در ایران و رسمی شدن آن به عنوان مذهب ملی ایرانیان به جهت نظری و عملی از جمله دلایل بازسازی هویت ملی ایران بوده است. به همین

دلیل تلاش برای کنکاش‌های تاریخی بین متفکران ایران برای بازیابی هویت نیاکانی و فرهنگی و شکل دهی به آن تا دهه‌های اخیر صورت پذیرفته است. دستمایه‌های اندیشه سیاسی-فرهنگی شیعی در تاریخ معاصر ایران و در رویدادهایی مثل جنگ ایران و عثمانی، ایران و روس، ایران و انگلیس و حتی نهضت‌های داخلی ضد استبدادی صد ساله اخیر ایران به خوبی در شکل دهی به هویت ایرانی موفق نشان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

داده است؛ به نحوی که می‌توان این هویت را کاملاً در چارچوب مذهبی آن مطالعه کرد.

اما ناسیونالیسم فرهنگی و سیاسی ایران از زمان تأسیس سلسله پهلوی و در عصر رضا شاه به عنوان یک سیاست برنامه‌ریزی شده شکل گرفت. ۳ سیاستی که توأم با تجلیل از تمدن و فرهنگ و لزوم تجدید عظمت ایران باستان و در یک کلام، ایران‌گرایی باستان و بی‌ارزش کردن موازین اسلامی و ارزشهای دینی بود. این نوع ناسیونالیسم یکی از پایه‌های بنیادین فکری حکومت پهلوی شد؛ به نحوی که جلوه‌های این نوع نگرش به خوبی در عملکردهای سیاسی و فرهنگی حکومت رضا شاه مشهود بود. ۴

این سیاست هرچند در اوایل حکومت محمد رضا پهلوی به دلیل اتحاد مذهبیها و ناسیونالیستها، جلوه مشخصی نداشت ولی در ادامه به عنوان یکی از محورهای اساسی و پایه‌ای اندیشه حکومت وی درآمد و در عرصه فرهنگی نوشتارهای متعددی شکل گرفت که به دنبال بازشناسی هویت ایرانی در تاریخ قبل از اسلام بود.

طرفداران نظریه سلطنت پادشاهی در ایران که به ویژه در غلبه بر ناآرامیهای مردمی و مشکلات دهه سی و اوایل دهه چهل پیروزمند به نظری رسیدند، به تدریج به فرهنگ و تمدن پیش از اسلام دوباره توجه کردند و در پیشینه تاریخی و تهیه پشتوانه برای توجیه ایدئولوژیکی حق سلطنت، کندوکاوهایی انجام دادند. در همین مورد دکتر حمید عنایت می‌نویسد: «در چنین زمینه‌ای بود که نویسندگان مذهبی از اواسط دهه چهل به بعد برای نخستین بار در تاریخ جدید ایران به محکوم‌سازی صریح تمدن پیش از اسلام پرداختند» (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۲۱۵).

در این رابطه مهم‌ترین کوشش برای نقد اندیشه دین‌زدایی ناسیونالیستی توسط استاد مرتضی مطهری (ره) و در اثری با عنوان «خدمات متقابل اسلام و ایران» انجام پذیرفت. هرچند این نگرش را می‌توان در همه آثار او ملاحظه کرد، وی در این اثر به تحلیل و نقد نویسندگان ناسیونالیست ایران و دیدگاههای مستشرقانی پرداخت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که مدعی بودند اسلام با شمشیر وارد ایران شد و نابسامانیهای فعلی و تاریخی ایران به سبب دلبستگیهای دینی و حضور اسلام در ایران است. وی در مقدمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» با اشاره به اینکه «ما مسلمانان ایرانی به اسلام به حکم اینکه مذهب ماست، ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم اینکه میهن ماست، مهر می‌ورزیم» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۳)؛ هدف خود را از ارائه نوشتار مزبور در سه پرسش خلاصه می‌کند: یک. با توجه به اینکه ما احساسات مذهبی و میهنی داریم، آیا ما دارای دو نوع احساس متضاد هستیم یا چنین تضادی وجود ندارد؛ دو. ورود اسلام به ایران توأم با چه تحولاتی بوده و از ایران چه گرفته و به ایران چه داده است؟ آیا ورود اسلام به ایران فاجعه است یا موفقیت؟ سه. سهم ایرانیان در بسط تعالیم دین چه بوده و انگیزه ایرانیها از این خدمات چه بوده است؟ وی با بیان اینکه کسانی که در مسائل مشترک اسلام و ایران قلم فرسایی کرده اند، یا اطلاع کافی نداشته یا انگیزه‌های غیر از تحقیق داشته اند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۵)، وی تصریح می‌کند که مسائل مشترک اسلام و ایران، هم برای اسلام افتخارآمیز است و هم برای ایران؛ برای اسلام به مثابه دینی که به حکم محتوای غنی خود ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته خویش ساخته است و برای ایران، به مثابه یک ملت که به حکم روح حقیقت خواه و بی‌تعصب فرهنگ دوست خود پیش از هر ملت دیگر در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۵). مطهری (ره) ضمن اینکه معتقد است تحقیقات در این زمینه پر از تحریف است و سعی شده روابط ایران و اسلام را، برخلاف آنچه بوده است، معرفی کند، کوشش می‌کند پاسخی روشن به این نظریه بدهد که نه ورود اسلام با شمشیر به ایران درست است و نه تشیع در ایران معلول مقاومت در مقابل اسلام بوده است.

بر این اساس، وی به شدت از ناسیونالیستهای کهنه‌گرای ایران انتقاد می‌کند و می‌گوید: «نژادپرستی که سلسله جنبان آن اروپاییان اند، مشکل بزرگی برای جهان به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

وجود آورده است» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۵) و تاکید می‌کند: «ما به حکم اینکه پیرو یک آیین و مسلک و ایدئولوژی به نام اسلام هستیم که در آن عنصر قومیت وجود ندارد، نمی‌توانیم نسبت به جریانهایی که بر ضد این ایدئولوژی تحت نام و عنوان ملیت و قومیت صورت می‌گیرد، بی‌تفاوت بمانیم و همه می‌دانیم که در این اواخر افرادی بی‌شمار تحت عنوان دفاع از ملیت و قومیت ایرانی مبارزه وسیعی را علیه اسلام آغاز کرده‌اند و در زیر نقاب مبارزه با عرب و عربیت مقدسات اسلامی را به باد اهانت گرفته‌اند... [اینها] یک نقشه حساب شده است و منظوری در کار است... [و] یک فعالیت سیاسی حساب شده است» (مطهری، ۱۳۷۲، صص ۵۲-۵۳).

مطهری (ره) توضیح این امر را که ایرانیان در اثر فشار اسلام را پذیرفته‌اند، بسیار مشکل می‌یابد و معتقد است که چگونه می‌توان پذیرفت قومی بازور عقیده‌ای را بپذیرند، ولی در گسترش آن تلاش کنند. فراتر از آن، اینکه اگر بناست شکل‌گیری اندیشه اسلام که خارج از مرزهای ایران شکل گرفته است، عنصری بیگانه تلقی شود، پس برای اروپاییان، مسیحیت و برای چینیان، بودا و برای روسها، کمونیسم باید عنصری بیگانه تلقی شود؛ درحالی که چنین بیگانگی اساساً قابل توضیح نیست (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۷۲).

مطهری (ره) به شدت به کسانی که به نام حمایت از ملیت ایرانی، می‌گویند ایرانیان از ترس، عقیده و ایمان خود را عوض کردند و یا اینکه شیعه را به این جهت پذیرفتند تا معتقدات آیین کهن خود را حفظ کنند، انتقاد می‌کند و چنین قضاوتی را بزرگ‌ترین توهین به ملت ایران می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲، صص ۱۴۰-۱۴۲).

در هر حال، آنچه برای ما در اینجا اهمیت دارد، نگرش مطهری (ره) نسبت به کل پدیده ناسیونالیسم فرهنگی در ایران این دوره است که با هدف ایجاد بستر فرهنگی جدید برای ساختمان اجتماعی ایران و دور کردن از بستر فرهنگی-مذهبی انجام شده است. او می‌خواهد نشان دهد که امکان بازگشت به آیین ایران باستان، امری خیالی است که نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد و تلاشهایی که در این زمینه صورت می‌پذیرد، برای داوری سیاسی و فاقد روح علمی و پژوهشی است.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

عرصه دیگر طرح دین از دیدگاه مطهری (ره) که توأم با نوگرایی و نقادی نسبت به اندیشه گذشته مسلمانان بود، مقوله دین و مقتضیات زمان است؛ او به خوبی متوجه این نکته شده بود که بدون توجه به شرایط و مقتضیات زمانه، طرح مجدد دین و تعمیم آموزشهای دینی در جامعه معنادار نخواهد بود. وی در واقع، مقتضیات زمان را به عنوان مسئله اجتماعی برای تبلیغ دینی یک ضرورت می‌دانست و معتقد بود که «مهم‌ترین مسئله اجتماعی اسلام و مقتضیات زمان است» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۱)؛ او دریافته بود پرسش اساسی دین در عصر جدید این است که «آیا انسان می‌تواند مسلمان باشد و درعین حال، خودش را با مقتضیات زمان تطبیق دهد؟» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۲۷).

مطهری (ره) دین را به مثابه یک ایدئولوژی مطرح می‌کند و معتقد است از جمله کارکردهای ایدئولوژی، ارائه یک نظریه و یک طرح جامع هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین همگانی بوده و در آن خطوط اصلی، روشها، بایدها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیله‌ها، نیازها، دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص شده است و منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه باشد (مطهری، ۱۳۶۹، صص ۵۴-۵۵). البته ایدئولوژی مورد نظر او یک ایدئولوژی اسلامی است که مخاطب آن محرومان اند.

از دیدگاه او، اسلام به حکم اینکه مذهب است و به حکم اینکه دین خاتم است، بیش از هر هدف آسمانی دیگر برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده و هدفش نجات محرومان و مستضعفان و نبرد با ستم دیدگان است؛ اما مخاطب اسلام تنها محرومان و مستضعفان نیستند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۰). وی از طریق همین نگرش به دین، آن را تنها نماز خواندن و روزه گرفتن نمی‌داند و می‌گوید: «ممکن است کسی ادعا کند مسئله دین از سایر مسائل جداست، ولی این مطلب فرضاً در مورد مسیحیت صادق باشد، در باره اسلام صادق نیست» (مطهری، ۱۳۶۸-ب، ص ۱۶).

از این رو، او اسلام و مقتضیات زمان را دو مقوله ناسازگار با هم نمی‌داند و این نظر را که «یا باید به اسلام و تعلیمات اسلامی گردن نهاد و از هرگونه نوجویی و نوگرایی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پرهیز کرد و زمان را از حرکت بازداشت و یا باید تسلیم مقتضیات متغیر زمان شد و اسلام را به عنوان پدیده‌ای متعلق به گذشته به بایگانی سپرد» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۲)، رد می‌کند و اساساً کار پژوهشی خود را در کتاب «اسلام و مقتضیات زمان»، پاسخگویی به این نگرشها قرار می‌دهد و تلاش می‌کند سازگاری بین ثبات و جاودانگی قوانین اسلام و مقوله زمان را، که طبع دگرگون‌پذیر دارد، نشان دهد (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۳) و آن را از ضروریات جاودانه بودن دین بداند و عدم توافق این دو را، که توسط بعضی مطرح شده است، نوعی مغالطه کاری قلمداد کند (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۲۴).

مطهری (ره) ضمن پذیرش و باور به وجود اصول ثابت در اسلام، مقوله شرایط و مقتضیات زمان را در چارچوب اجتهاد و به تعبیر خود او، «هدف شگرف جوابگویی فقه اسلامی به مسائل جدید و دوره‌ای» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۴) بررسی می‌کند و آن را نکته‌ای می‌داند که «عجاب جهانیان را برانگیخته است» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۴). وی ضمن توضیح این نکته، که این تحول زمانی مربوط به عصر ما نیست و در اسلام از ابتدا مطرح بوده و هر روز مسائل جدیدی وجود داشته است، تأکید می‌کند که «فقه اسلامی بدون استمداد از هیچ منبع دیگر، وظیفه خویش را انجام داده است» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۴) و کار ویژه اساسی و لزوم اجتهاد دینی را این می‌داند که بتواند مسائل نو و تازه‌ای که پیدا می‌شود، با کدام یک از اصول اسلامی منطبق است» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۲۳۲).

او ارتباط بین اجتهاد و مقتضیات زمان را به حدی می‌داند که معتقد است «به نظر من یکی از معجزات اسلام خاصیت اجتهاد است» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۲۴۱) و در توضیح آن می‌گوید: «معنای اجتهاد این نیست که یک نفر بنشیند و یک حرفی را همین طور بزند؛ اسلام به جهانی که اتفاقاً بعضی از آنها را ذکر کردم، خصوصیات در ساختمان خود دارد که بدون اینکه با روح دستوراتش مخالفتی شده باشد، خودش حرکت و گردش می‌کند؛ نه اینکه ما باید آن را به حرکت درآوریم؛ خودش یک قوانین ثابت و لاینغیری دارد، ولی چون آن قوانین متغیر را وابسته کرده است، به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این قوانین ثابت، هیچ وقت هم اختیار از دست خودش خارج نمی شود» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، صص ۲۲۴-۲۴۱).

از این رو، وی وظیفه یک مسلمان روشنفکر را شناخت صحیح اسلام واقعی، به مثابه یک فلسفه اجتماعی و شناخت شرایط و مقتضیات زمان می داند. در عین حالی که تأکید می کند باید ضمن شناخت شرایط و مقتضیات زمان، واقعیات ناشی از تکامل علم و صنعت از پدیده های انحرافی و عوامل فساد و سقوط جدا کرد. وی دو عامل بی توجهی مسئولان امور اسلامی در دو قرن اخیر را از سویی و از سوی دیگر، دهشت زدگی در مقابل غرب را باعث پیدایش توهم عدم سازگاری قوانین اسلامی با شرایط و مقتضیات زمان قلمداد می کند و در مورد مغالطه موجود در مقاله زمان معتقد است که خاصیت زمان این نیست که همه چیز حتی حقایق آن نیز فرسوده و کهنه شود و آنچه که کهنه یا نو می شود، ماده و ترکیبات مادی است (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۵). وی تصریح می کند تحولات زمان باعث تغییر ماهوی مسائل حقوقی مربوط به روابط اجتماعی انسانها نمی شود. مطهری (ره) برای پاسخ به سؤال کلی خود، پیشنهاد می کند اگر بخواهیم درباره اسلام و مقتضیات زمان قضاوت کنیم، تنها راه این است که با معارف اسلامی آشنا شویم و روح قوانین اسلامی را درک و نظام خاص قانونگذاری اسلامی را بشناسیم که روشن شود آیا اسلام رنگ یک قرن معین و عصر مشخص دارد و یا از ورای قرون و اعصار وظیفه رهبری و هدایت و سوق دادن بشر را به سوی تکامل بر عهده گرفته است (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۷).

مطهری (ره) سه جریان خوارج، اشعریگری و اخباریگری را ضد مقتضیات زمان در اندیشه اسلامی برمی شمرد و معتقد است که هر سه آنها نوعی ظاهرپرستی بوده و جریان تعقل گرایی شیعی که باید بر اساس طبع زمان عمل کند، به شدت تضعیف کرده است. او به ویژه از جریانی که موجب تضعیف تفکر عقلی شیعه شده است، انتقاد کرده تصریح می کند آنچه مایه تأسف است این است که در قرون متأخر طرز تفکر اهل حدیث عامه در میان شیعه رسوخ یافت و در شیعه نیز گروهی پیدا شدند

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که هرگونه تعمق و تفکر در معارف الهی را بدعت و ضلالت شمردند. در صورتی که بدون شک این نوعی انحراف در سیره پاک پیشوایان این مذهب است (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۸۷۷). وی عقل را وسیله ای برای تشخیص مقتضیات زمان و به روز کردن دین در چارچوب تقاضاهای بشر و حاجتهای وی دانسته بدان توجه می کند.

از پرسشهای مهمی که مورد توجه مطهری (ره) قرار داشت، رابطه بین علم و دین بود. این پرسش و به دنبال آن چالش دین، روشنفکران دینی را بر آن داشت که تصویری علمی از دین بر اساس یافته ها و دستاوردهای رهیافت تجربی ارائه دهند؛ ولی او اساساً در آثارش چندان توجهی به توضیح علمی دین ندارد و فرض اصلی او در این

رابطه این است که این دو با هم تعارض ندارد و تأکید می کند این دو مکمل و متمم یکدیگرند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۷).

وی ضمن اینکه علم و ایمان را وجوه تمایز انسان با سایر جانداران قلمداد می کند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۰)، موضوع را در نگرش خود تجزیه و تحلیل می کند و معتقد است «تاریخ تمدن اسلامی تقسیم می شود به عصر شکوفایی که عصر علم و ایمان است و عصر انحطاط که علم و ایمان توأم انحطاط یافته اند» (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۱). او بدین ترتیب می خواهد نتیجه بگیرد که علم و ایمان مکمل یکدیگرند و جهان بینی دینی و علمی با یکدیگر تعارض ندارد.

از این رو، در دیدگاه او، عرصه های علم و دین با هم درگیر نمی شوند؛ چراکه «علم به ما روشنایی و توانایی می بخشد و ایمان، عشق و امید و گرمی؛ علم ابزار می سازد و ایمان مقصد؛ علم سرعت می دهد و ایمان جهت؛ علم توانستنی است و ایمان خواب خواستن؛ علم می نمایاند که چه هست و ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد...» (مطهری، ۱۳۶۹، صص ۲۳-۲۴). در عین حال، او می پذیرد که دانش و ایمان می تواند به یکدیگر در تأمین زندگی بهتر انسان کمک کند: «ایمان را در پرتو علم باید شناخت، ایمان در روشنایی علم از خرافات دور می ماند، با دور افتادن علم از

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایمان، ایمان به جمود و تعصب کور و با شدت به دور خود چرخیدن و راه به جایی نبردن تبدیل می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۸) و علم «بدون ایمان تیغی است در کف زنگی مست، چراغی است در نیمه شب در دست دزد برای گزیده تر بردن کالا» (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۸).

کوشش مهم دیگر مطهری (ره) برای ارائه چهره‌ای روزآمد از دین، در عین حفظ پذیره‌های فکری و تاریخ آن، بحث احیای تفکر دینی توأم با اصلاح طلبی دینی بود. او اساساً مقوله احیای دینی را رد می‌کند و آن را صرفاً با عنوان «احیای تفکر دینی» مطرح می‌سازد و تأکید می‌کند «آنها که احتیاج دارند به احیای تفکر دینی، ما هستیم؛ یعنی ما دین داریم، فکر دینی در ما هست، ولی در یک حالت نیمه بیدار و نیمه خواب در یک حالت نیمه مرده و نیمه زنده و در یک حالت بسیار خطرناک» (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۱۳) قرار داریم.

مطهری (ره) این مسئله را به خوبی درک کرده بود که دین در جامعه پس زده می‌شود، از این رو، برای او احیای تفکر دینی یک وظیفه است؛ به نحوی که حتی آن را یکی از کارهای انبیاء قلمداد کرد. در عین حال، او به پیرایش دین نیز توجه داشت و آن را برای کارآمد کردن دین در چارچوب اصل اجتهاد و در جهت جوابگویی به نیازهای روز، موضوعی اساسی می‌دانست؛ به عبارت دیگر، او تلاش کرد با حفظ مقولات ثابت دین، دین را تصفیه کند و به دین ناب برسد؛ چراکه معتقد بود: «برای دین مانند هر حقیقت دیگری، عوارض پیدا می‌شود... دین مانند آبی است که در سرچشمه صاف است، بعد که در بستر قرار می‌گیرد، آلودگی پیدا می‌کند و باید این آلودگیها را پاک کرد» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۳۷۹).

بر این اساس، او درباره این بخش از حدیث در مورد امام زمان (عج) که می‌فرماید: «یأتی بدین جدید»، ۵ معتقد است تفسیرش این است که آن قدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است که وقتی او می‌آید و حقیقت دین جدش را می‌گوید، به نظر مردم می‌رسد که این دین غیر از دینی است که داشته‌اند و حال آنکه اسلام حقیقی همان است که آن حضرت می‌گوید. ۶ محصول این دیدگاه به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خوبی در برداشت و تفسیر مطهری (ره) از قیام امام حسین (ع) مشخص است؛ او می‌خواهد تحریفات آن را از میان بردارد و ضمن بازشناسی آن، آن را تصفیه کند. او در اصلاح تفکر دینی، اصلاح تفکر مسلمانان را به صورت جدی مدّتوجه قرار داده و معتقد است که احیای تفکر اسلام در گرو تصحیح طرز تفکر و طرز بینش خودمان درباره اسلام است و آن را در عین حال، امری ضروری برای مسلمانان قلمداد کرده تأکید می‌کند ما باید تفکر اسلامی خودمان را به شکل زنده ای درآوریم و تلقی خودمان را از اسلام عوض کنیم؛ چراکه ایمان اسلامی مسلمانان در دنیای امروزی، ایمانی بی‌خاصیت و بی‌اثر است و نمی‌تواند به مثابه نیروی محرکه جنبش دینی عمل کند (مطهری، ۱۳۶۱-ب، صص ۱۷۱-۱۷۴).

وی ضمن بیان این نکته که فکر دینی ما به صورت نیمه مرده درآمده است، معتقد بود «در شرایط نوین ضرورت دارد اسلام بی‌پیرایه توأم با عمل عرضه شود و از جمله عوامل این پیرایش را رجوع مجدد به قرآن و بازبایی عقاید دینی از آن و نیز احادیث و سنت و نیز دستگاه عقل» (مطهری، ۱۳۶۸-ج، ص ۱۳۲) می‌دانست.

مطهری (ره) با اشاره به انحطاط جوامع اسلامی تصریح می‌کند که عقب ماندگی جهان اسلام نه تنها در صنعت و علم است بلکه در اخلاق و معنویت نیز عقب هستند؛ «حقیقت اسلام به صورت اصلی در مغز و روح ما موجود نیست بلکه این فکر اغلب در مغزهای ما به صورت مسخ شده موجود است» (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۲۱). وی ضمن انتقاد شدید از برداشتهای موجود از تشیع می‌گوید: حتی «در مسئله ولایت و امامت طرز فکر ما به صورت عجیب و معکوس درآمده و به جای اینکه وجود پیشوایان (ائمّه) محرک و مشوّق برای عمل باشد، وسیله تحذیر و تنبلی و گریز ما از عمل شده است» (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۲۳) و تأکید می‌کند که «فکر دینی ما باید اصلاح بشود؛ تفکر ما درباره دین غلط است، غلط، به جرئت می‌گویم از چهار مسئله اصلی فروع، آن هم در عبادات، چندتایی از معاملات، از اینها که بگذریم، دیگر فکر درستی، ما درباره دین نداریم؛ نه در این منبرها و در این خطابه‌ها، نه در این کتابها و روزنامه‌ها و مقاله‌ها که می‌نویسیم؛ ما قبل از اینکه بخواهیم

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فکر کنیم که آنها مسلمان شوند، باید درباره خود فکر کنیم» (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۲۵).

مطهری (ره) در انتقاد آشکار به فقه و احکام فقهی موجود و چالشها و مشکلاتی که برای آن به وجود آمده، آن را ناکارآمد دانسته و معتقد است: «فقهی به وجود آمده، غیر متناسب با سایر اصول اسلام و بدون اصول و مبانی و بدون فلسفه اجتماعی، اگر حریت و آزادی فکر باقی بود و موضوع تفوق اصحاب سنت بر اهل عدل پیش نمی آمد و بر شیعه مصیبت اخباریگری نرسیده بود؛ ما حالا فلسفه اجتماعی مدونی داشتیم و فقه ما بر این اصل بنا شده بود و دچار تضادها و بن بستهای کنونی نبودیم» (مطهری، ۱۴۰۳، ص ۲۷)؛ از این رو، فکر دینی موجود را به صورت نیمه مرده و یا مرده قلمداد می کند (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۲۴) و در نهایت، نتیجه می گیرد که اکنون بیش از هر چیزی به یک رستاخیز دینی اسلامی و به یک احیای تفکر دینی [و] یک نهضت روشنگر اسلامی نیازمندیم (مطهری، ۱۳۶۱-الف، ص ۱۲۸).

نتیجه گیری

با توجه به مباحث ارائه شده، چنین می توان نتیجه گرفت که از عوامل اصلی دین گریزی جوانان ناسازگاری میان قول و عمل کسانی است که به طرف دین دعوت می کنند. عوامل دیگری از جمله غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین، و یا تهاجم فرهنگی نیز تأثیر اساسی و فراوانی در این فرایند دارند. به هر حال، از بهترین و اصلی ترین راه ها برای جلوگیری از دین گریزی جوانان نشان دادن یک الگوی مناسب برای جوان می باشد و منادیان دین و کسانی که به طرف دین دعوت می کنند باید پیش از اینکه جامعه را تبلیغ کنند به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند تا مشمول آیه شریفه (لَمْ تَقُولُوا مَا لَّا تَفْعَلُونَ) (صف: ۲) نگردند. البته نباید از عوامل دیگر نیز غفلت کرد که هر یک به نوبه خود عامل مهمی برای دین گریزی جوانان می باشد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

در مسئله گرایش به فرهنگ غرب نیز عدم شناخت صحیح از فرهنگ غرب به عنوان عامل اصلی بیان شده است و مشکلات اقتصادی در داخل و آزادی ابتدال موجود در غرب در رتبه های بعدی قرار دارند.

بنابراین، با توجه به این عوامل، راه کارهایی که برای جلوگیری از این دو می توان بیان کرد، تقویت بینش دینی و سیاسی جوانان و زدودن فقر اقتصادی و ارائه الگوهای مناسب به جوانان می باشد و علت های دیگر در اولویت ها و رتبه های بعدی قرار دارند.

مرتضی مطهری (ره)، یکی از متفکران مشهور دوران معاصر، با شناخت مشکلات و موانع فراروی دین، همه توان خود را برای طرح دوباره دین و بازشناسی و اصلاح تفکر دینی به کار گرفت. او کمرنگ شدن حضور دین در جامعه و معنویت را به خوبی درک کرد و به این نکته اساسی توجه یافت که باید با نگرش همه جانبه به دین و دیدی اصلاح گرایانه در اندیشه و تفکر دینی، به پرسشهای نوین در قبال دین جواب داد؛ از این رو، در آثار او کمترین معماهای کهن دین مطرح است.

وی در این تلاش از سویی با عده ای متحجر روبه رو بود که بر چارچوبهای پیشین و کهن و تکرار مکررات اصرار می ورزیدند و هرگونه نوگرایی را بدعت می دانستند و از سویی دیگر، با کسانی که آموزه های دینی را تا حد دیدگاههای انسانی تنزل می دادند. او در چنین هیاهویی کوششهای فراوان برای حفظ اندیشه دینی مبذول داشت و با هر دو دیدگاه مبارزه کرد. معضلاتی که یکی را «جمود» و دیگری را «جهل» نامید و آنها را بیماری خطرناک و تهدیدکننده قلمداد کرد (مطهری، بی تا- ج، ص ۸۶) و معتقد بود که نتیجه بیماری اول (جمود) توقف، سکون و بازماندن از پیشروی و توسعه است و نتیجه بیماری دوم (جهل) سقوط و انحراف است. به نظر او جامد از هرچه نوست، متنفر است و جز به کهنه خو نمی گیرد و جاهل هر پدیده نوظهوری را با نام مقتضیات زمان به نام تجدد موجه می شمارد (مطهری، بی تا- ج، ص ۸۶).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نوشتارهای وی دائرة المعارفی از مسائل اسلامی است که تلاشهای او را در معرفی اسلام به مثابه یک ایدئولوژی همه جانبه مطرح و هویدا می‌سازد. این سعی و تلاش بدون شک در پاسخ به چالشهایی است که از همه سو متوجه دین و تفکر دینی در زمان او انجام می‌شده است و نتیجه دفاع وی از کلیت آموزه دینی است که در درون خود متضمن طرح بحثهای مهمی از مفاهیم ذاتا سیاسی و اجتماعی شیعی و اسلامی است؛ موضوعی که در توسعه فکر نوین سیاسی شیعه اثر شگرفی به جای گذاشته است.

استاد مطهری (ره) مطالعات و بررسیهای جدید در حوزه اجتماع، انسان، اقتصاد، هنر، روان شناسی و غیره و نیز بساط گسترده ای را که پهن کرده اند، دریافت و به این نکته توجه یافت که این بررسیها راه حلهایی برای مشکلات روحی، اجتماعی و تربیتی و

سیاسی بشر ارائه می‌دهد و در واقع، دوره ای از معارضة جدی را در مقابل دین و تفکر دینی گشوده اند و مدعی اند که رازهای این عرصه را بر ملا می‌کنند. او به خوبی دریافت که انسان معاصر به ابزارهایی مجهز شده که هرگز پیشینیان از آنها شناختی نداشته اند. لذا سعی کرد حوزه های جدید مطالعاتی را بشناسد و با حضور در دانشگاه، علی رغم انتقاهای تند مخالفان به عنوان یکی از سنت شکنان در میان روحانیان حوزه عمل کند و بدین ترتیب، ادبیات دینی را در میان دانشجویان و متفکران جامعه توسعه دهد.

فهرست منابع و مآخذ

۱- در این زمینه ر.ک. فریدون موحدنیا، *علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ص ۳۵-۳۶.

۲- محمد محمدی ری شهری، *منتخب میزان الحکمة*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰.

۳- فریدون موحدنیا، پیشین، ص ۲۱-۲۷.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۴- محمد محمدی ری شهری، پیشین، ص ۲۷۲.
- ۵- از بیانات معظم له در دیدار با جوانان، اول اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۶- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۳.
- ۷- حمیدرضا شاکرین، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، چ سوم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸-۲۵۰.
- ۸- بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، ص ۳.
- ۹- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، نفوذ و استحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸، ص ۳۵.
- ۱۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۲ تیر ۱۳۷۷.
- ۱۱- فریدون موحدنیا، پیشین، ص ۶۲.
- ۱۲- مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- ابوالفضل ساجدی، دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴، ص ۲۳۷.
- ۱۵- ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی، «میزگرد عوامل تضعیف و تقویت خودباوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیرخودی»، ماهنامه معرفت، ش ۴۵ (شهریور ۱۳۸۰)، ص ۱۳.
- ۱۶- حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ص ۸۲.
- ۱۷- حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۱-۲۵۲.
- ۱۸- مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، راه امام، ۱۳۹۸ق، ص ۱۸۳-۱۸۷.
- ۱۹- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۶۵، ص ۱۳.
- ۲۰- ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی، پیشین، ص ۹.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۲۱- همان، ص ۱۰.
- ۲۲- حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۲.
- ۲۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۱۴.
- ۲۴- حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۲-۲۵۳.
- ۲۵- ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی، پیشین، ص ۸.
- ۲۶- همان، ص ۱۹.
- ۲۷- همان، ص ۱۵.
- ۲۸- محمد عباسی، نتایج نظرسنجی و تحقیقات میدانی از جوانان قمی، قم، اردیبهشت ۱۳۸۶.
- ۲۹- حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۱.
- ۳۰- ابوالفضل ساجدی، دین گریزی چرا؟، ص ۲۳۷.
- ۳۱- مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، پیشین، ص ۱۴۱-۱۴۲.
- ۳۲- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۱۴۴-۱۴۵.
- ۳۳- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۵۸.
- ۳۴- امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- ۳۵- ابوالفضل ساجدی، دین گریزی چرا؟، ص ۲۶۶-۲۶۷.
- (۱) برای بررسی بیشتر درباره دیدگاههای آیت الله کاشانی ر ک.گروهی از هواداران... (بی تا).
- (۲) برای بررسی بیشتر به کتاب نفت، مصدق و ناسیونالیسم ایرانی مراجعه شود.
- (۳) برای بررسی بیشتر ر ک.کاتم(۱۳۶۸).
- (۴) برای آگاهی بیشتر ر ک.آشنا(۱۳۷۶).
- (۵) یعنی «امام زمان(عج) با دین جدیدی می آید».
- (۶) برای مطالعه بیشتر ر ک.مطهری(۱۳۶۰، ج ۱؛ ۱۳۶۱-ج، ج ۲؛ ۱۳۶۵، ج ۳).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کتابنامه

- آشنا، حسام الدین (۱۳۷۶). «سیاست فرهنگی ایران در دوره رضا خان»، در: فراتی، عبد اوهاب. درآمدی بر ریشه های انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات). قم: معاونت امور اساتید و معارف اسلامی، چاپ اول.
- خسرو شاهی، سید هادی (۱۳۷۵)، فداییان اسلام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- دوانی، علی (۱۳۷۱). زندگی آیت الله بروجردی. بی جا: مطهر.
- همو (بی تا). نهضت روحانیون ایران. ج ۲. بی جا: بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو، ۱۳۷۱.
- عنایت، حمید (۱۳۶۵). اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر. بهاء الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
- کاتم، ریچارد (۱۳۶۸). «ناسیونالیسم در ایران قرن بیستم و دکتر محمد مصدق»، در: نفت، مصدق و ناسیونالیسم ایرانی. ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات. تهران: نشر نو.
- گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران (بی تا). روحانیت اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن نفت ایران. قم: دار الفکر.
- مراد، حامد الگار و دیگران (۱۳۶۸-ب). نهضت بیدارگری در جهان اسلام. تهران: صدرا، .
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی. ج ۱. تهران: صدرا.
- همو (۱۳۶۱-الف). ده گفتار. تهران: صدرا.
- همو (۱۳۶۱-ب). حق و باطل؛ به ضمیمه احیای تفکر اسلامی. تهران: صدرا.
- همو (۱۳۶۱-ج)، حماسه حسینی. ج ۲. تهران: صدرا.
- همو (۱۳۶۲). داستان راستان. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۳۶۳). نقدی بر مارکسیسم. تهران: صدرا.
- همو (۱۳۶۵). حماسه حسینی. ج ۳. تهران: صدرا.

چهارمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- همو(۱۳۶۸-الف). تکامل اجتماعی انسان. تهران: صدرا.
- همو(۱۳۶۸-ب). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: صدرا.
- همو(۱۳۶۸-ج). اسلام و مقتضیات زمان. ج ۱. قم: صدرا.
- همو(۱۳۶۹). انسان و ایمان. ج ۱. قم: صدرا.
- همو(۱۳۷۱). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: صدرا.
- همو(۱۳۷۲). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- همو(۱۴۰۳ ق). نظری به نظام اقتصاد اسلامی. تهران: حکمت.
- همو(بی تا-الف). عدل الهی. بی جا: صدرا.
- همو(بی تا-ب). علل گرایش به مادیگری. بی جا: صدرا.
- همو(بی تا-د). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: صدرا.
- همو(بی تا-ج). نظام حقوق زن در اسلام. بی جا: بی نا.
- موسوی خمینی(ره)، روح الله(بی تا). کشف الاسرار. بی جا: بی نا.
- نایینی، محمد حسین(۱۳۳۴). تنبیه الامه و تنزیه المله در اساس و اصول مشروطیت. با مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی. تهران: چاپخانه فردوسی.